

وحدت - بخاطر استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی

و در سطحی درخور این درک و فهم بیش نمی‌رود و علت این کنشی هم اکثریت ریشه‌های ذهنی دارد. دید این وضع بیستم توده‌های میلیونی مردم، وارثان شهیدان قهرمان انقلاب و چشم‌سراهای «استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی» می‌رود.

پس از چند هزار و چند صد سال اسارت طاغوت و بردگی استعمار و استعمار، انقلاب عظیمی در ایران بوقوع پیوسته و ثمره فرخنده آن تکوین و تولد جمهوری اسلامی ایران بوده است. تاریخ سرشت این بزرگترین دستاورد مردم ایران را به نهادهای انقلابی و به مقامات و زمامداران مسئول و متعدد نظام جمهوری سیرده است. **بقیه در صفحه ۸**

هجوم و ازهم دریدن جمهوری اسلامی ایران آماده و آماده‌تر میکند.

همگان بر این حقیقت اشراف دارند که، نفاق و کینه‌دوختی و هر پدیده و یا عملی که بوی تفرقه و پراکندگی نیروهای انقلاب از آن بیاید، بسود دشمنان انقلاب و آمریکای درگمین نشسته است. همگان بر این واقعیت‌ها و بسیاری از حقایق دیگر، که از درک کنه انقلاب و منافع واقعی آن ناشی می‌گردد، واقف هستند. ولی متأسفانه کار با سرعت لازم

می‌کنند که، شمار انقلاب بزرگ ایران عبارت بود از: «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی».

همه مسئولان مملکتی بر این اعتقاد دارند و در هر فرصتی تأیید و تکرار می‌کنند که، راه روسله اجرای این شعار، وحدت و یکپارچگی و تقاض و برادری است.

همگان بر این واقعیت واقفند که درنده خون آشام امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، در گمین مبین آزاد ما نشسته و هر لحظه خود را برای

رئیس جمهور: «خط امام خط شیدان ۱۷ شب بود، خط همه شهیدان، خط اسلام و خط توحید و وحدت است... در این جمهوری جز آزاده همکاری نمی‌خواهیم به هدفهای انقلاب اسلامی ایران برسیم».

(جمهوری اسلامی، ۱۸ شهریور ۵۹)

نخست وزیر: «با شما شیدان پشت‌تزیان می‌بندم که برای حفظ قانون اساسی و استقرار شعار دشمن‌شکن «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» با تمام وجود بگویم... جو سازندگی می‌بایست جایگزین فضای تخریب و هدمستی و همراتی و هم‌اعتقادی و هم‌مکتبی می‌بایست جایگزین نفاق و تظاهر و تخریب

مردم

نامۀ

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۲۹
چهارشنبه ۱۹ شهریور ۱۳۵۹، بهار ۱۵۰ ریال

در سالگرد درگذشت مجاهد نستوه آیت‌الله طالقانی خواست اورا عملی کنیم: اتحاد همه نیروهای خلق علیه امپریالیسم امریکا

* حزب توده ایران قتلان آیت‌الله طالقانی یکی از درخشان‌ترین چهره‌های ضد امپریالیستی و ضد استبدادی مبین ما را به رهبر انقلاب، مردم ایران و خانواده آن مجاهد بزرگ صمیمانه تسلیت می‌گوید.



یکسال از درگذشت یکی از درخشانترین چهره‌های معاصر مبین ما میگذرد. سال پیش در چنین روزی، مجاهد نستوه حضرت آیت‌الله طالقانی چنان خویش را بر این جهان بست و توده‌های میلیونی وطن ما را، که در چهره او یک مبارز آشتی‌ناپذیر ضد استبدادی و ضد امپریالیستی را می‌دیدند، سوگوشانند.

مجاهد نستوه، طالقانی بزرگ، همه زندگی خویش را صرف مبارزه با استبداد و امپریالیسم کرد. در سیاه‌ترین ادوار تاریخ ایران، این مجاهد خستگی‌ناپذیر، علیه ظلم و ستم رژیم پهلوی بزرگ و بارها و بارها بدست دشمنان شاه سابق اسیر شد و به گوشه‌های فنساک و تاریک «اورین» و با اتاق شکنجه «کمیت» برده شد. رژیم تسلیم طالقانی را طلب می‌کرد و او با قلبی که از عشق خلق و کینه به دشمنان خلق پیوسته مالا مال بود، بر اعتقاد خویش پافشاری می‌نمود. هنگامیکه انقلاب بزرگ ایران بساط رژیم پهلوی را از خاک کهن‌مای رویداد، آیت‌الله طالقانی در زندان بود. سرانجام مجاهد نستوه همراه زندانیان دیگر آزاد شد و توده‌ها با استقبال بی‌نظیری، بازگشت او را به قلب‌جبهه نبرد تهنیت گفتند. از این پس آیت‌الله طالقانی دست در دست رهبر انقلاب، امام خمینی، به رسم توده‌ها پرداخت و نبرد برامان علیه رژیم پهلوی را سازمان داد.

مردم ما، هرگز آن قامت نجیب را فراموش نمی‌کنند که پاس شعله عظیمی که از عشق در روحت می‌جوشید، رامیسانی روز تاسوعای سال ۵۸ را سازمان داد و علیه رژیم پهلوی راهی شد و اعلام کرد که خودش پیشاپیش همه بهرامیسانی خواهد پرداخت. آن روز میدانوی در انقلاب ایران شد و اولین رامیسانی چند ده میلیونی در وطن ما بر گزار گردید. بعد از بیروزی انقلاب، وقتی

مردم را بدنام نکنید مردم خواهان نظم انقلابی هستند

و تشریفات گروهکهای ضد انقلابی که لومبرود، ضد انقلاب «مدرک» هم در این خانه از حزب توده ایران «دکشف» میکند و به زور دست ما را در دست گروهکهای می‌گذارد که با ما هیچ علقه و پیوندی ندارند که هیچ، بلکه از دشمنان سوگند خورده حزب ما هستند.

از روز روشن تر است که حزب توده ایران، که از آغاز بنامه تحلیل‌های مشخص خود، از نظام جمهوری اسلامی، با صد آهنگی یکبارگی و بر مانند و با تمام توان انقلابی خود پشتیبانی کرده است، علیه نظام جمهوری اسلامی اعلامیه صادر نمی‌کند، و اگر وجود چنین اعلامیه‌ای ادعا شود، مسلماً جعل و دروغ و ساخته دست ضد انقلاب است.

از روز روشن تر است که حزب توده ایران نیازی به داشتن «خانه تیمی» ندارد، زیرا «خانه تیمی» از نیازمندیهای فعالیت مخفی است و حزب ما حزبی است علنی و قانونی، که در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران فعالیت میکند. دفاتر حزب ما در تهران و شهرستانها، مراکز رسمی و علنی و قانونی هستند و آدرسهای مشخص و معلوم دارند. نامه «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران دارای امتیاز مصوب از وزارت ارشاد ملی است، و حزبی و روزنامه‌ای که علنی و قانونی است، نه به خانه تیمی نیاز دارد و نه به پیشانی اعلامیه مخفی.

روح بلند تحریک و تقنین علیه حزب توده ایران، از سوی ضد انقلاب توطئه گر، خیز برداشته است. حمله به دفاتر حزب، علیه نماینده دادستان کل کشور، بیانات رئیس جمهور، رئیس مجلس شورای اسلامی، رئیس دیوان عالی کشور، حجت‌الاسلام خاتمی امام جمعه تهران و عسدهای از نمایندگان مجلس شورای اسلامی ادامه دارد. آخرین هجوم به دفاتر حزب ما در «کردکوی» بوده، که ۴۰ روز پس از انتشار اعلامیه دادستان کل کشور انجام شده است و کسی نیست که از این دستهای مشکوک آشوبگر، که متأسفانه گاه به آنسان عنوان «مردم» داده میشود، سؤال کند که: شما که هستید، از کجا آمده‌اید، از کدام قانون تبعیت میکنید، زیر علم که سینه می‌زنید و از چه مرجع مسئول و یا غیر مسئولی حرفشوی دارید؟ چرا اعلامیه یکی از عالیترین مراجع قضائی کشور را زیر پایم اندازید و چرا سخنان مسئولین مهم دولتی و نمایندگان برگزیده مردم را نشنیده میگیرید؟

ضد انقلاب تنها به هجوم و اشغال مراکز حزب توده ایران و تخریب کتابفروشی‌های ما بسنده نمی‌کند، بلکه هر جایخانه‌ای که در جستجوی خنثی‌سازی ضد انقلابی مورد توجه قرار میگیرد، دست ضد انقلاب یک اعلامیه جعلی را «دکشف» می‌کند و به حزب توده ایران نسبت میدهد. هر خانه تیمی مرکز سلاح

رفیق فرانتس موری، صدر حزب کمونیست اطریش در مصاحبه با نامه مردم:

حزب کمونیست اطریش عمیقاً از انقلاب ایران دفاع می‌کند

* سفر گرایسکی به ایران، در چارچوب وحدت نظر با آمریکا، برای ترمز کردن انقلاب ایران بود. **صفحه ۷**

در صفحات بعد

تمام تلاشهای امپریالیسم امریکاسر انجام عبث است

صفحه ۲

بمناسبت شصتمین سالگرد پایه گذاری حزب کمونیست ترکیه

صفحه ۲

سفیر سابق امریکادر ایران به مداخلات امریکادر ایران اعتراف می‌کند

صفحه ۷

هشدار به مسئولان! هشدار به روشنفکران!

صفحه ۷

یادداشتی بر فیلم «عروج»:

آنها که بر مرگ پوزخند می‌زنند!

صفحه ۶

گزارشی از وضع کارگران نانوانی رامهرمز

صفحه ۴

ضد انقلاب فعالیت تخریبی خود را در روستاها ادامه می‌دهد

صفحه ۵

برای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

دیبر اول کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان:

• اعتراض کارگران لهستان علیه اصول سوسیالیسم نیست

• منبع تشنج در لهستان ازین خواهدرفت

• جای لهستان در پیمان ورشو محکم خواهدشد

استانلواگانیا دیبر اول کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان، در ششمین پلنوم کمیته مرکزی سخنرانی مهمی ایراد کرد.

استانلواگانیا در این جلسه ضمن سپاسگزاری از کمیته مرکزی بخاطر انتخاب وی به مقام دیبر اول کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان، گفت: «من وظایف دیبر اول کمیته مرکزی را تحت شرایط و اوضاع و احوال غیر عادی بعهده می گیرم. رفیق گریگ که در ده سال گذشته در راس حزب ما بوده، بسخنی بیمار است و باتوجه به بیماری، اکنون زمان آن نیست که برآوردی از فعالیت هایش بدمت دهیم. اطمینان دارم که این برآورده عادلانه خواهد بود و اینکه بیغم همه چیز، خدمات رفیق گریگ در روند فعالیت پنجده ساله اش در جنبش طبقه کارگر، نمی تواند مورد چون و چرا قرار گیرد. ما برای او بیپودی هر چه سربسته را آرزو می کنیم».

استانلواگانیا گفت: «مهمترین وظیفه ما اعاده اطمینان عمومی به قدرت خلق و اعاده اطمینان طبقه کارگر و همه زحمتکشان به حزب است. ما باید پیوندهای نیرومند میان ارگان های قدرت و مردم را تقسیم کنیم. این پیوندها تضعیف شده و این امر به نارضایی منجر گشته است، بنحوی که پیامدهای خطرناکی دربر خواهد داشت. من از انتقاد از جنبه های مختلف زندگی ما، انتقادی که اغلب دستاوردهای بزرگ و غیرقابل بحث ما را در سیر ساختمان سوسیالیسم در سالهای حکومت خلق، از جمله دستاوردهای ده سال اخیر را زیر سایه قرار می دهد، آگاهم. از این گذشته ما باید از تعاونی های میلیون ها کارگری که دلایل فراوانی برای ناخرسندی داشتند، ولی با از خود گذشتگی کار کردند و در محل های کار خود باقی ماندند، سپاسگزاری کنیم. و این بخاطر تلاش آنهاست که زندگی عادی در کشور ادامه یافته است».

اشتیاهات جدی در سیاست اقتصادی و زندگی اجتماعی، باعث شده که موج اعتصابها لهستان را فرا گیرد و امروز هم هنوز کاملاً فروکش نکرده است. ما اعتصابها را خیلی ناخرسندی کارگران می دانیم. ولی اعتراض آنها علیه اصول سوسیالیستی و علیه مناسبات ما با متحدان نیست».

استانلواگانیا آنگاه گفت: «این اعتراض علیه نقش رهبری گننده حزب، که تاریخ آنرا به جلو رانده است، نیست، این اعتراض علیه منخها و اشتباهات در سیاستمان بود. بدین دلیل است که گفت و شنود و مذاکره، که با شکیبایی و پیگیری بوسیله رفقای ما انجام شده، به روش اصلی در حل و فصل منتهای اجتماعی تبدیل شده است. در جریان گفت و شنود و مذاکره ما با نمایندگان تعاونی های کارگران، که در بیشتر موسسات و بنگاهها شکل کمیته ها را بخود گرفته اند، درباره مسائل مختلف اجتماعی به توافق هایی دست یافتیم. ما با پیگیری و مداومت برای یافتن منبع تشنج تلاش خواهیم کرد و این منبع را از میان خواهیم برد تا دیگر هرگز یک چنین اوضاع هر تب و تاب وجود نیاید».

استانلواگانیا گفت: «با این همه لازم است توجه شوم که مبارزه تنها فقط برای اعاده اطمینان طبقه کارگر و زحمتکشان نیست، بلکه همچنان مبارزه های حاد علیه دشمن جریان دارد. ما خواهان حل و فصل مسائل دشوار کشور هستیم، ولی دشمن ضلع سوسیالیست می خواهد از ستیزه های موجود آسوده، برای مقاصدی که با آنچه کارگران خودمان خواهان آنند، و با آنچه که برای آن فشار می آورند، در تضاد است، سوء استفاده کند. ما با تلاش هایی که در جهت از میان بردن نظم و همچنین کیدکاری و تبلی و انکلام قبیح انجام میشود، قاطعانه مبارزه می کنیم و در برابر زحمتکشانی که شرارتندانه و با از خود گذشتگی برای رفاه کشور کار می کنند، واکنش متقابل نشان خواهیم داد. ما بیکرانه آرمان سوسیالیسم و منافع حیاتی دولت خلق را حفظ خواهیم کرد. امروز، این وظیفه برای حزب ما و در جنبه اینتولوزیک و برای همه اعضای فعال ما از اهمیت بنسزا برخوردار است. در اساس، این آرمان مشترک همه نیروهای میهن دوست کشور ماست».

اوضاع اقتصادی در کشور باید توجه اصلی ما را جلب کند. ما باید فعالیت های دامنه داری برای استفاده از امکانات تولیدی کشور بعمل آوریم، امکانات بزرگی که به حداکثر مورد بهره برداری قرار نرفته است.

کشاورزی ما، که میلیون ها روستائین در آن کار می کنند و منبع تولید غذا برای مردم ماست، با مشکلات بزرگی روبروست. ما باید شرایط مساعدی

بوجود آوریم تا در تمام مزارع بهره بردی زمین و در ارض نیروی کار افزایش یابد. و به همین جهت لازم است که از دگرگونی های سوسیالیستی در کشاورزی مان حمایت کنیم.

مشکلات در زمینه مسکن مسئله بزرگی است که باید بطور مداوم در مرکز توجه قرار گیرد. به این منظور برنامه ای ضروری و درست تدوین شده، اما اجرای آن در این کشور کافی نیست. و این موضوعی است که باید موقتاً از گذشته با آن روبرو شد».

دیبر اول کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان خاطر نشان ساخت:

دموکراسی زستی از طرف مقامها در مقابل جامعه نیست، بلکه الزامی است که ضرورت آن روز بروز بیشتر میشود. بنابراین ما قاطعانه از محترم شمردن صلاحیتی که همیشه پارلمان، بموجب قانون اساسی از آن برخوردار است، حمایت می کنیم».

استانلواگانیا از گسترش حقوق شوراهای خلقی و نوسازی واقعی اتحادیه کارگری، بطوریکه بتوانند به طریقی موثر حافظ منافع و حقوق کارگران باشند و بهر گزای مدیریت تبدیل شوند، حمایت کرد.

گانیا گفت: «ما همچنین باید مراقبت کنیم که اتحادیه های کارگری جدید، همانطور که سازمان - دهندگان آنها اعلام کرده اند، اصول اساسی جامعه سوسیالیستی را رعایت و در چارچوب دموکراسی سوسیالیستی عمل کنند».

گانیا ضمن اشاره به این مسئله که موضع بین المللی لهستان سوسیالیستی یک دستاورد بزرگ سیاست حزب است، تأکید کرد که سیاست خارجی بیکر لهستان، که پایه زندگی مستقل و موقیت مردم این کشور است، در سالهای مبارزه و در سالهای ساختمان صلح آمیز شکل گرفته و از آزمایش زمان بیرونیرون آمده است».

او گفت: «اتحاد یا اتحاد شوروی سوسیالیستی جای ویژه ای در این سیاست داشته و خواهد داشت. این اتحاد، که برای لهستان آزادی به ارمان آورد، اهمیتی بس بزرگ دارد و ضمانت عاقلانه و نقض ناپذیر ما، امنیت ما، همکاری اقتصادی سودمند و خیر خواهانه اترانسویالیستی برای ماست».

گانیا افزود: «بویژه باید تأکید کرد که دوستان ما، متحدان ما، در روزهای دشوار گذشته، با تقاضا با وضع ما روبرو شدند و ابراز اطمینان کردند که ما میتوانیم راه حلی درست پیدا کنیم. و این در درجه اول در مورد حزب کمونیست اتحاد شوروی و شخص رفیق لئونید برژنف صدق می کند. با همکاری نزدیک با همه کشورهای سوسیالیستی دوست آنگ می نمیم و جای شرافتمندانه خود را در سازمان پیمان ورشو و در شورای هیئتی اقتصادی تحکیم خواهیم کرد».

ما همچنین فعالانه به گسترش و توسعه روابط خود با نظام های سیاسی اجتماعی متفاوت ادامه خواهیم داد و کماکان سهم خود را در حفظ صلح و سیاست تشنج زدایی و همکاری سازنده بین المللی ادا خواهیم کرد».

باید مراقبت کنیم آنچه در پلن حزب ایجاد شده، سرمشق برای آن چیزی باشد که باید در جامعه سوسیالیستی بر طبق موازین لنینی عمل کند.

از امروز به بعد لازم است توجه کنیم که روش کار ما ساده تر و طبیعی تر باشد. حزب شالوده آمیدهای اجتماعی برای زندگی بهتر است. در فعالیت های حزبی، فائق آمدن بردشوارپاتی، که با آنها رویارویی هستیم، به کیفیت صفوف حزب بستگی دارد. بگذار صفوف ما متشکل تر شود».

استانلواگانیا گفت: «صدمای از رفقا در نامه های خود پیشنهاد می کنند که در پلنوم آینده کمیته مرکزی، فوریت فراخواندن کنکره فوق العاده حزب مورد توجه قرار گیرد. دفتر سیاسی ما این نظر را همراه است. تدابیر مناسبی که کمیته مرکزی بتصویب رسانده است، می تواند بعنوان شالوده ای برای بحث عمومی در حزب باشد و به وحدت و تحکیم نفوذ آن در کل جامعه کمک کند».

گانیا تأکید کرد که: «وحدت نسل های جوان و قدیمی در حزب مان منبع قدرت آن است و باید همواره مراقب این امر باشیم».

استانلواگانیا در پایان گفت: «این حزب ماست، نه تنها به این خاطر که حزب مردم را در مسیر توسعه سوسیالیستی پیش می برد، بلکه همچنین به این خاطر که حزب در مأموریت رهبری کننده خود، از روش هایی استفاده خواهد کرد که آنرا هر چه بیشتر به مردم نزدیکتر خواهد کرد و اطمینان آنها را بیش از پیش بدمت خواهد آورد».

مردم را بدنام ...

بقیه از صفحه ۱

با این وجود، این دستهای مشغول برتری دارند، به دور حزب ما، همه ایام بوجود آورند. وقتی مرا از حزب ما راسخال میکنند، بچی امه از اسناد واهی، که دل بر وفاداری حزب ما به انقلاب و نام جمهوری اسلامی ایران دارد، سخن بگویند، چنین وانمود میکنند که گویا «مدارک مهمی» تصف کرده اند، که از «توطئه» حزب ما علیه جمهوری حکایت دارد. البته معلوم نیست این اسناد نجاست؟ در دست چه شناسی است؟ و چرا ما و مردم از آن بر اطلاع مانده ایم؟

اما واقعیت چیست و چرا در دوران اخیر، نه توطئه های بیانی امپریالیسم امریکا بر ملا میشود، ضد انقلاب فسادان دارد فعالیت حزب ما را محدود کند و به ما بر حسب تحریک و توطئه بزند.

ما دقیقاً مطلعیم که ضد انقلاب متأسفانه موفق شده است که عوامل خود را در نهادهای انقلابی دولتی بپسنداند. این عوامل در هر کجا که هستند، این گزای توطئه های بختیار در تحریک و ویرانگری تفرقه افکنی، جداساختن حزب توده ایران از نیروی مدافع نظام جمهوری اسلامی و کنوون راه برای سرکوب انقلاب هستند.

ضدانقلاب خوب فهمیده است که حزب توده ایران با هزاران دستبازان چپش از انقلاب پاسداری میکند و اعضای حزب ما، در هر کجا که هستند، با دیدگان بیدار و مغزی هشیار مراقبتند تا توطئه های ضدانقلاب را تصف و خنثی سازند. بدینجهت تمام کوشش ضدانقلاب و امپریالیسم توطئه گر متوجه است. همه دایره فعالیت حزب ما را تنگ کند و هم ما را مصنوعی تر برابر جمهوری اسلامی قرار دهد، امری که مسلماً با تسکست روبرو خواهد شد.

تاسف اینجاست که این قبیل اقدامات غیرقانونی ضدانقلاب، گاه به «مردم» نسبت داده می شود. گوئی این گروه قلیل اللهه لجم گسیخته ویرانگر، «مردمانند» که با توسل به این آشوبگریها، به مخالفت با حزب توده ایران برخاسته اند، این تعبیر نادرست هم توهینی است به مردم و هم توهین است به ارگانهای دولتی و نهادهای انقلابی، که وظیفه استقرار نظم انقلابی را دارند.

توهین به مردم است، زیرا مردم بویژه موافق با این طرح و طرح و تفرقه افکنی و ویرانگری نیستند. مردم خواستار اجرای قانونند؛ مردم از امنیت قضائی برای همه احزاب، گروهها و سازمانهای انقلابی چانداری می کنند. مردم خواهان نظم انقلابی اند. حساب مردم را باید از حساب یک گروه ۱۰۰-۱۵۰ نفری، ولگردان بر فرهنگ که چاقو به دست به مراکز فعالیت احزاب، گروهها و سازمانهای انقلابی هجوم می برند و یا مانند نژدان قاصر مانده اند، اینان «وظایف» آنانرا برعهده گرفته اند!

ما هشدار میدهم که در ادامه این یورشهای غیرمسئولانه، دست ضدانقلاب در کار است، که محدود کردن فعالیت حزب توده ایران بسود ضدانقلاب است، که ایجاد جو هرج و مرج و آشوب بر دلیل احزاب، سازمانها و گروه های سیاسی وقادار به انقلابی مردم در حفظ انقلاب ذینفع اند، که با اینگونه آشوبگریها میبایست دارد. مردم حکومت قانون را می خواهند. تا امپریالیسم امریکا در جو هرج و مرج امکان توطئه نیابد.

از: شرف

دریغ است دریغ است!

برآئید برآئید که شد موسم بیکار
برزمید برزمید که تا خصم شود خوار
ازین راه نه رفتید نمی باز نکردید
بفرشید بکوشید و بکوشید دگر یار!
بسی دام بسی دام که کسترده درین راه
خطر هاسط خطر هاست درین مرحله، ز تهار!
زدشمن نهراسید و بختکش بشتابید
مترسید مترسید ز یاران وفادار!
دریغ ست دریغ است که با یار ستیزید
مخوانید مخوانید خط دشمن مکار!
همه همزه رزمید ز وحدت مگریزید
بوحلت بگریزید بگفتار و بگردار
ازین تفرقه ز تهار که دشمن نبرد سود
بس آنگاه شود خلق دگر یاره گرفتار
خدا را بفرم بپش و کم خویش میباشیم
بپایید بیاید که شد لعظای ایشار
گر امروز بمانیم همه همدل و همکوش
ازین رزم برآئیم سبکبال و سبیکار!

شهریور ۵۹

در سالگرد ...

بقیه از صفحه ۱
سخنان تابناک طالقانی بزرگوار
فراموش نمی کنند آه:
هر انقلاب علیه ظلم و استبداد
و علیه استثمار، در هر جای دنیا
آه بشد، همیشه در نظر ما یک
انقلاب اسلامی است».

توده های میلیونی که هرگز
رهنمودهای او را برای رسیدن به
جامه هتل و قطعه از یادنی -
برنده در سالگرد در گذشت - ان
مجاهد بزرگ، یار دیگر خطرناک
را زنده می دارند و اتحادی را که
او بران پای میفرسد، استحکام
میرخشند.

حزب توده ایران در اولین
سالگرد گذشت آیت الله طالقانی،
صمیمانه ترین تسلیت های خود را
تقدیم رهبر انقلاب، توده های خلق
و خانواده آن مجاهد بزرگ
می کنند.

حزب توده ایران بانهایت تاسف
از فقدان آن مجاهد نستوه در
شرایط فوق العاده حساس سینه ما،
بردیگر از همه نیروهای انقلابی،
سراسر از تفاوت در عقاید
سیاسی و مسلکی و مذهبی، می -
طلبد، چنانکه خواست آن مجاهد
بزرگ بود وحدت و یکگانگی
را با همسوق خود یاز گردانند و راز
این طریق دستاوردهای انقلاب را
که طالقانی زندگی خویش را
وقف نمرادش کرد و چشم نگران
آینده اش، ما را ترک گفت، از
کردن شیطان بزرگ، امپریالیسم
خونخوار جهانی، به سرگردگی
امپریالیسم امریکا، محفوظ دارندند.
تنها و تنها با این طریق است
که بیروزی قلمی و نهائی انقلاب
ایران تقسیم میشود و آرمان های
والای آن مجاهد نستوه تحقق
می یابد.

تصحیح

در متن گزارش مراسم ۱۷
شهریور در پشت زهرا، یکجا تعداد
شرکت کنندگان «توده های میلیونی»
ذکر شده و جای دیگر «هزاران نفر»
که متأسفانه هر دو اشتباه چاپ شده
است. صحیح آن «دهها هزار نفر»
است. با بوزش بدینوسیله تصحیح
میشود.

تصحیح

در مطلب مربوط به «میزان»
(نامه مردم، شماره ۱۸۳۲۸، ۵۹۶۶۶،
صفحه ۷، ستون ۳، سطر ۵ و ۶) به
نوشته شده است که «نیوزویک» به
عنوان منبع ذکر شده، که اشتباه
است. نیوزویک بعنوان منبع ذکر
شده است.

رفقای حزبی! هواداران و دوستداران حزب!

امتداد حزبی (اعلامیه ها،
بیانیه ها و ... منتشره در
نامه «مردم» ارگان مرکزی
حزب توده ایران را، با
استفاده از تمام امکانات،
پلوسیع ترین شکل تکثیر
کنید و به توده های مردم
پرسناید. در شرایط
حساس کنونی این یک
وظیفه میزم انقلابی است».

توجه گروهکهای تحریک و
ویرانگری، باین عنوان که گویا
این «مردمانند» توهین به ارگانهای
دولتی و نهادهای انقلابی هم هست.
هم اکنون مجلس منتخب مردم
وجود دارد. رئیس جمهور منتخب
مردم وجود دارد. نخست وزیر
قانونی به مجلس معرفی شده و
رای اعتماد گرفته است. ارگانهای
قضائی نظیر دادگستری و دیوان عالی
کشور وجود دارد. بنابراین حفظ
نظم و تأمین امنیت قضائی مردم،
اکنون فقط برعهده این ارگانها
و سایر مراجع قانونی است.

باز گذاردن دست گروهکهای
بی مسئولیت، که معلوم نیست از
کجا سر بر آورده اند و چه کجا
میروند، در تجاوز بحق مردم و
احزاب، گروهها و سازمانهای
انقلابی، توهین است به آن
ارگنها و مراجع قانونی، لوث کردن
حقوق و وظایف آنها و «اثبات» این
دعوی است که گویا آن جریرت
استقرار «نظم» را ندارند و این
گروهکهای چاققدار، دارند، و
آنان چون از انجام وظایف خود
قاصر مانده اند، اینان «وظایف»
آنانرا برعهده گرفته اند!

ما هشدار میدهم که در ادامه
این یورشهای غیرمسئولانه، دست
ضدانقلاب در کار است، که
محدود کردن فعالیت حزب توده
ایران بسود ضدانقلاب است، که
ایجاد جو هرج و مرج و آشوب
بر دلیل احزاب، سازمانها و گروه
های سیاسی وقادار به انقلابی
مردم در حفظ انقلاب ذینفع اند،
که با اینگونه آشوبگریها میبایست
دارد. مردم حکومت قانون را می -
خواهند. تا امپریالیسم امریکا
در جو هرج و مرج امکان توطئه نیابد.

تشکل کارگران در انجمن های صنفی (سندیکائی) ضرورت انقلاب ایران است

تمام تلاشهای امپریالیسم امریکا سرانجام عث است

مادر دوران پس از جنگ دوم جهانی شاهد تلافیهای عجیب و غریب ایالات متحده آمریکا شمالی هستیم که می خواهد جرح تاریخ را متوقف سازد، نقش پیشوائی نیروهای محافظه کار، مرتجع و فاشیست و نژاد گرای جهانی را ایفا کند، جنبشهای انقلابی و رهائی بخش ملی را سرکوب نماید، تسلط دلار بر بازار اقتصادی جهان سرمایه داری از هرگونه خطری مصون و محروس نگاه دارد، امتیازات افسانه‌ای طبقات خریول را حفظ کند، "جهان سوم"، جهان رشد پاینده را به قبول سرنوشت برده وار و سهم فقیرانه وادار سازد، تئوریها و اندیشه‌های اجتماعی سفسطه آمیز را، که هدفش توجیه نابرابری انسانها و ناگزیری ستمگری و غارت هست، برتخت بنشاند و غیره.

واقعاً که عمده گرفتاریهای جهان از این کشور است که موقعیت ژئوپلیتیکی، نظام طبقاتی و دستاوردهای عظیم اقتصادی و فنی اش، او را به یک غول متفرعن و متجاوز و غارتگر بدل کرده است. بقیه گرفتاریها هم نتیجه غارت و تجاوز متحدان و دست‌نشانندگان این غول است.

اگر ایالات متحده به "پرزیدنت های" آن (که از سویی خادمان گوش به فرمان "جمع میلیاردرها" هستند و از سوی دیگر ترکیب عجمی از خدعه و عوام فریبی و حماقت) نمی‌بودند، در دوران پس از سرکوب فاشیسم آلمان، بشریت ناچار بود بر اساس همزیستی و صلح به دوران طولانی جنگ و سیطره جویی در تاریخ برای همیشه خاتمه دهد.

ولی نه آمریکا آمد و تنها فرانکلین روزولت، که می‌گوشید به انکا و صحنه‌ای که کسب کرده بود، کامیاب در مقابل محافل ماوراء ارتعاجی استبدادی کند، خیلی "به موقع" (بامرگی مشکوک) از صحنه خارج شد، پرزیدنت ترومن را که مطهر نمونه وار "پرزیدنت کذابی آمریکایی بود، سرکار آوردند. آمریکا بدست امنی خود را به عنوان "مترسک" حلال کلیه مسائل روی سر مردم تیره روز ناگازاکی و هیروشیما منفجر ساخت و جاقوکنش وار، نفس کش طلبید و دوران پررغش پرده غده "جنگ سرد" را در جهان اعلام کرد، که میوه‌های جنین اش رژیم هائی - نظیر رژیم محمدرضا پهلوی بود و هست.

ولی تاریخ که در اثر عریه کشی آمریکائی ایستد محبوس است به سیر خود ادامه دهد. خلق‌ها عاقلان استقلال، آزادی، ترقی، رفاه، ایمنی، صلح و برادری هستند. خلق‌های عصر ما را نمی‌توان با دورانی مقایسه کرد که مثلا "فاتحان" آسیای شرقی این راهزنان طلا، به آمریکای لاتین می‌رفتند و یک تمدن کامل را برای زدند و بیاد می‌ساختند. امروز توده‌ها، بگذریم از آنکه در چه سطحی از تمدن پرافتخار باشند، از خواب دیرینه بیدار شده‌اند. ساه و زرد و سرخ و سفید در یک نبرد جهانی عظیم شرکت دارند. شاید هنوز آگاهی و همبستگی و مشکل درونی این رزمندگان جهان رنج و حرمان، به حد مطلوب نیست، ولی به سوی حد مطلوب می‌رود، به همان دلیل ساده که تا کنون در این ست سیر کرده است.

ولی آمریکا دست از عریه کشی بر نمی‌دارد. زیرا نمی‌خواهد در "فلسفه اجتماعی خود، در سیطره جهانی دلار، در نظام سرمایه - سالاری، در تسلط گروه مقتدر سازندگان اسلحه و

الکلب و الخزیر - مردم جهان در نبرد خود با امپریالیسم آمریکا وارد جنگ فوق العاده سخت و فوق العاده طولانی و بر فراز و نشیب شده‌اند. این نبرد به عصب، حوصله، طاقت، بیگیری، جاننازی، ایمان به صحت راه، ایمان به پیروزی نهائی، گذشت از خود و منافع خود، جسارت مدنی و شجاعت انقلابی و ده ها خصیصه مثبت دیگر نیاز دارد. امپریالیسم آمریکا آنقدر می‌کاود و می‌کاود و می‌کاود که سر بازان و افسران لایق نبرد علیه خود را در سراسر جهان تربیت کند. می‌گویند وقتی شارل دوازدهم پادشاه سوئد، پطر اول تزار روسیه را دوازده بار شکست فاحش داد پطر به دوست خود تزارال شکوف گفت:

"این دیوانه آنقدر مرا شکست می‌دهد، تا به من علم فتح کردن را بیاموزد".

آری، چنین است. راز تاریخ ۱ نیروی که باید غلبه کند. سرانجام و علیرغم تمام تدابیر و تلاشهای طرف زوال پابنده، غلبه خواهد کرد.

اجازه دهید تشبیل شاعرانه‌ای بیاوریم: زمانی چند برنده در ساحل شط سپید رود، که نغمه خوانان به سوی خیز می‌رفت، نشستند و به واگفتند: "ای شط زرها! خبر نداری که همه وزغان مرداب های این صفحات جمع شده‌اند و تصمیم دارند جلک محکمی بیاورند تا جلوی امواج را سد کنند و نگذارند دریای خزر برسی؟"

سپید رود، باکف های براق خود، در آفتاب صبحگاهی خندید و گفت:

"آرام باشید برادران من! امواج من، علی‌رغم هر جلکی و علی‌رغم هر وزغی، مسلماً به دریا خواهد رسید."

به همین سبب می‌گویند: نیروی نو و بالنده در تاریخ چیزی ناپذیر است. همیشه نیروهای ارتعاجی می‌توانند در رزمهای کوتاه با اصطلاح فاتح شوند و بر سباه، توم جنایات خود بازم جنابیتی چندبیا افزایند و رزمندگانی چند را نابود کنند، ولی جنگ بزرگ تاریخی را مسلماً خواهند باخت. بنامه مثل معروف:

دیر و زود دارد ولی سوخت و سوز ندارد.

این تراستی برخی سیاستمداران عاقلتر جهان سر ماه داری هم کم کم احساس می‌کند، زیرا آتش تاریخ چندان شور و پر شور شده است، که حتی بعضی خان های احمق و متفرعن نیز دارند می‌فهمند!

جمهوری اسلامی ایران برمی‌دارد. اگر آمریکا انقلاب ایران را به حال خود می‌گذاشت، این انقلاب خیلی زود جان می‌گرفت و اکنون در کشور به جای غم و دغدغه، محیط نشاط کار و سازندگی برقرار بود و ما به آسانی می‌توانستیم یک ایران مستقل، آزاد و آباد به وجود آوریم.

ولی مگر آمریکا می‌گذارد؟ چون ما متربک این "خت لایقفر" شده‌ایم که گفتیم ما یک ملت کهن و متمدن، جزا باید غلام حلقه به گوش تاجداران دست نشانده امپریالیسم باشیم، از نظر قدران کاخ سفید محکوم به زوالیم. برای آنها جان میلیونها ایرانی به اندازه "سبزی ارزش ندارد. اگر چاکر نمی‌شوید، پس بمرید!

همین معامله با مردم افغانستان می‌شود. یعنی - معامله در حق کشورهای سوسیالیستی به عمل آمد. همین جریان را در حق کامبوجیا و ویت نام مشاهده می‌کنیم. همین جریان را در حق مردم فلسطین و مردم سوریه مشاهده می‌کنیم.

اگر مردم گره جنوبی علیه دیکتاتورهای شکنجهگر و فاسد برخیزند، یا مردم االسوادور دست از پا خطا کنند، یا مردم بولیوی بخواهند حکومت قانونی خود را تحکیم نمایند، یا مردم پاکستان بخواهند از شر ضلالت الحوق حیاتیکار خلاصی شوند، یا مردم عربستان سعودی و عراق و مصر خواستار حاکمیت خلقی شوند، بلافاصله آقای برژینسکی، با یک گونی پراز انواع دسپسه و توطئه حاضر است. ترور، محاصره اقتصادی، تبلیغات جنجالی جهانی، ترکاندن - بعب، ایجاد قطعی، یخش تهمت های رذیلانه، ایجاد تفرقه آشوب و دیگر شیوه‌های المپسی و دوزخی از جبهه مارگری این خادمان شر بیرون می‌آید، و هر دفعه هم سعی دارند هر چه می‌توانند ترو و هر چه عوام فریبانه تر نمایند و رد کم کنند و دم بر تله نهند و قیافه "انسانی و حقوق بشری" به خود گیرند. الحق که تاریخ چنین جریان عجیب و وحشتناکی را به یاد ندارد.

جاسوس آنها گاه یک وزیر ایرانی اطو کشیده است گاه یک اسقف کاتولیک، گاه یک روحانی نمای وارد بهرموز فقه و اصول، گاه یک روشنفکر مقدس نما، گاه یک تاجر بازاری، گاه یک دانشمندی ماوراء انقلابی، گاه یک کارگر نمای شورشی، که گویا فقط "حق خود را می‌خواهد". "مشکل با مشکل المختلفه حتی -



شیطان بزرگ - آمریکا برضد انقلاب و جمهوری اسلامی ایران قشه میکند

پس از اخراج گروه ضد حزبی، ماجراجو سکناریست، که اینک در لندن پیرامون روزنامه "پیش چینین" گرد آمده‌است، پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکیه سه ماه پیش برگزار شد. پلنوم نامبرده، که وحدت لنینی حزب را تحکیم بخشد، اعلام داشت که، حزب اکنون در سراسر کشور دارای تشکلات است. اعلامیه‌ای که پس از پایان پلنوم انتشار یافت، باردیگر ضرورت اتحاد طبقه کارگر و همه نیروهای ضد امپریالیست و دمکراتیک را برای دفع خطر فاشیسم و بیرون رفت از بحران کنونی جامعه ترکیه یادآور میگردد.

حزب کمونیست ترکیه در سراسر فعالیت صحت ساله خود، هیچگاه اصول مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری منحرف نشده و پیوسته با هرگونه گرایش انحرافی در این زمینه و با همه مظاهر اپورتونیسم راست و "چپ" به ستیزه‌اشی ناپذیر بر خاسته است.

بمناسبت شصتمین سالگرد پایه گذاری حزب کمونیست ترکیه

بینهائی برگزار شد. در تمام این دوران، حزب به مبارزه بی - امان با امپریالیسم و ارتجاع داخلی و همچنین جریان های گوناگون اپورتونیستی اشتغال داشت.

حزب کمونیست ترکیه در سالهای دوران جنگ دوم جهانی مبارزه خود را بر اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیست و ضد فاشیست تمرکز بخشید و پس از جنگ، نخستین حزبی بود که بجزیم مبارزه علیه نفوذ آمریکا در ترکیه و ورود آن کشور را در پیمان "ناتو" برافراشت. حزب کمونیست ترکیه کارزار گسترده‌ای را علیه استفاده امپریالیسم از ترکیه برای تجاوز علیه کره بسج داد.

در سال ۱۳۳۰، رژیم ترکیه به متوقف صدها کمونیست دست زود حزب مجبور شد که سازه دلبرانه خود را با دولت مفسوس در شرایطی توانفرسا ادامه دهد.

پس از چرخش ۱۳۳۹، مردم ترکیه برخی از حقوق و آزادیهای دمکراتیک خود را با یافتند. در سال ۱۳۴۰، "حزب کارگر ترکیه" تاسیس شد. حزب کمونیست ترکیه، که نقش حزب نامبرده را در جنبش کارگری کشور مثبت ارزیابی می‌کرد، پیوسته میکوشید تا "حزب کارگر ترکیه" سیاست ضد امپریالیستی و دمکراتیک بیگیری را برگزیند. از سوی دیگر، حزب کمونیست ترکیه دوران جدیدی از مبارزه دشوار خود را علیه امپریالیسم، سیاست های ارتجاعی دولت دهرول و گرایش های اپورتونیستی راست و "چپ" در جنبش کارگری "قانونی" آغاز کرد.

۲۱ افسند ۱۳۵۰، نظامیان ارتعاجی زمام حکومت را در ترکیه بدست گرفتند و به سرکوب همه عناصر مترقی، بویژه کمونیست ها، پرداختند. شی حزب در آن دوران، بیکار در راه اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیست و دمکراتیک برای رویارویی با اختناق نظامی بود.

پس از پلنوم ۳ خرداد ۱۳۵۳، کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکیه سازمانهای خود را در سراسر کشور بارلمان هم آوا شده است.

حزب کمونیست ترکیه در جلسات مشورتی احزاب کمونیستی و کارگری سالهای ۱۳۳۶ و ۱۳۳۹ و "کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری اروپا" (برلین ۱۳۵۵) شرکت کرد و در راه تحکیم وحدت جنبش کمونیستی، بر پایه مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری، گامهای موثری برداشت.

حزب کمونیست ترکیه برای دستاوردهای کشورهای سوسیالیستی، بویژه اتحاد شوروی، در زمینه ساختن سوسیالیسم و کمونیسم اهمیت فراوان قائل است و به آزمون مبارزات حزب کمونیست اتحاد شوروی و جنبش بین المللی کمونیستی کارگری، به مثابه سر چشمه زوال ناپذیر و الهام بخش همه نیروهای انقلابی جهان می‌نگرد.

حزب کمونیست ترکیه، سالهاست که با حزب توده ایران مناسبات گرم رفیقانه دارد و همواره همبستگی خود را با بیکار جاننازانه ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم و حزب ما بر از داشته است.

ما شصتمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست ترکیه را به محراب برادر صمیمانه شادباش می‌گوئیم، و ضمن تجدید متناق همبستگی خود با کمونیست های ترکیه، بیروزی آنها را در پیگامه علیه امپریالیسم و ارتجاع و برای بهروزی زحمتکشان ترکیه و پیشرفت اجتماعی خلق همسایه خواستاریم.

روز ۱۹ شهریور اسال، حزب کمونیست ترکیه، شصتمین سالگرد پایه گذاری خود را بزرگ میدارد.

حزب کمونیست ترکیه، فرآورده جنگ آزادیبخش ملی خلق ترکیه علیه امپریالیسم بود وزیر ناشر الهام بخش انقلاب کمیسر سوسیالیستی اکثر، بر پایه اصول مارکسیسم - لنینیسم و به مثابه حزب طراز نو طبقه کارگر ترکیه پیدایش یافت.

شصت سال پیش، در روز ۱۹ شهریور ۱۲۹۹ ۷۵ نماینده از سازمان گوناگون در کنفرانس موسسان حزب، حزب برادر را در ترکیه پایه نهادند و رفیق مصطفی صوفی را بعنوان نخستین صدر حزب کمونیست ترکیه برگزیدند.

نخستین کنفرانس حزب کمونیست ترکیه، هدفی های آن را چنین تعیین کرد:

شکست هر چه گسترده تر در جنگ آزادیبخش ملی، تشکیل جبهه‌ای مرکب از همه نیروهای ضد امپریالیست، سرنگونی ساط سلطنت، آزادی کشور از بند اسارت امپریالیست ها و ایجاد ارتعاجی آنها، پایه گذاری جمهوری دمکراتیک و تقویت پیوند های دوستانه با اتحاد شوروی، میهن لنین.

حزب کمونیست ترکیه، بیدرنگ پس از تاسیس، به شرکت در جنگ آزادیبخش ملی مباردت ورزید، و دوش بدوش دیگر قشرهای خلق ترکیه، علیه مداخله گران امپریالیست و تجاوزکار بهمیکار مسلحانه پرداخت.

در همان اوان دوران جنگ آزادیبخش ملی، بورژوازی ملی جبهه دوگانه خود را نشان داد و حملات شدیدی را علیه حزب کمونیست ترکیه آغاز کرد. در روزهای ۹ - ۸ مه ۱۳۰۰، مصطفی صوفی و چهارده تن دیگر از اعضای کمیته مرکزی حزب بدست عناصر ارتعاجی مقتل رسیدند.

دومین کنفرانس حزب کمونیست ترکیه در تابستان ۱۳۰۱ در شرایط نیمه قانونی در آنکارا برگزار شد. اما چندهفته بعد، حزب غیر قانونی اعلام گردید و حزب برادر در ترکیه از آن هنگام مجبور شد مبارزه خود را در شرایط دشوار اختناق ادامه دهد. هزاران کمونیست ترکیه در راه این بیکار صمیم برستانه و رهایی بخش جان خود را باختند.

سومین و چهارمین کنفرانس حزب کمونیست ترکیه نیز ترتیب در سالهای ۱۳۰۴ و ۱۳۱۲ در شرایط

پاسخ مسئولین بخواستهای دهقانان

بدین درج یک خبردهقانی درنامه "مردم" شماره ۲۲۴، مورخ ۱۴ تیرماه ۵۹، یک نامه ازطرف روابط عمومی بانک کشاورزی، باشمارة ۲۹۲/۱۰۵/۳۹۹۲۱-۱۳۵۹/۶/۵، به دفترنامه "مردم" ارسال گردیده است، که عینا نقل می‌گردد:

"متأسفانه انقلاب اسلامی و آزادی برای عده کثیری از افراد این توهم را پیش آورده است که انقلاب یعنی بی‌بندوباری و یعنی عدم ادای دین. بدین جهت از زمانی که انقلاب اسلامی ایران تحقق یافته است، تاکنون بارها کشاورزان که از بانک کشاورزی وام دریافت داشتند، تقاضا کرده‌اند بدهی‌هایشان بخشوده شود. ضمن اینکه پاسخ لازم همیشه داده شده است، معذرتا توجیه نشده‌اند. لذا ذیلاً مراتب زبیرا یادآور می‌شود.

بانک کشاورزی یک بانک دولتی است و سرمایه آن مربوط به بیت المال میباشد، لذا کشاورزان که از بانک وام دریافت داشتند، اگر بازپرداخت ننمایند و وجه بیت‌المال از بین رفته است. از طرف دیگر اگر این وامها وصول نشود، سایر کشاورزان و حتی خود کشاورزان بدهکار میزور دیگر نخواهند توانست از بانک وام دریافت دارند، چون دیگر وجوهی موجود نخواهد بود. بانک با سرمایه‌ای که دولت در اختیار آن گذارده، وام می‌پردازد و پس از وصول، مجدداً مبالغ وصولی را به صورت وام عرضه می‌نماید.

بدین ترتیب گردش کار بانک کشاورزی تا زمانی خواهد بود که کشاورزان بدهکار موقع در سررسید دین خود را به بانک تسویه نمایند. لذا از عموم کشاورزان عزیز، که از این بانک وام دریافت داشتند، انتظار داریم، منهد این قبیل تقاضاها را مطرح ننمایند و با فعالیت و پشتکار به کار کشاورزی و افزایش تولید ادامه دهند و برای خود و کشورمایه انباشتاریز. بانک کشاورزی نیز در اختیار کشاورزان بوده و آماده است فقط با ۴ درصد کارمزد برای کلیه فعالیت‌های کشاورزی، آبیاری، باغداری، دامداری، دامپروری، پرورش طیور، احداث تاسیسات کشاورزی، خرید ماشین آلات کشاورزی، صنایع دستی و سایر امور کشاورزی و امه‌ای لازم در اختیار کشاورزان سراسر کشور قرار دهند.

نامه "مردم" - واقعیت اینست که بسیاری از دهقانان زحمتکش، به دنبال سیاست ضددهقانی رژیم گذشته، بخاک سیاه نشستند و مبالغی هم به بانکهای مربوطه و به انواع رباخواران بدهکار هستند، که خود درد بیدارمانی برای آنها شده است. و این بدهکارها، با توجه به شرایط پرداخت، عملاً نقش مثبتی در بهبود وضع تولید دهقانان تهنی دست نکرده و موجب رونق کشاورزی نشده است. هنوز هم بسیاری از دهقانان قادر به تهیه نیازهای تولیدی خود اعم از ابزار و کود و... نیستند و چون دریافت وامهای جدید مشروط به پرداخت بدهی‌های گذشته

است، عملاً احیای امور زراعت و دامداری برای آنان امکان پذیر نیست. حتی در بسیاری موارد، همین امر سبب خانه خرابی و ورشکست و مهاجرت دهقانان شده است. باید این شرایط استثنائی را در نظر داشت برای تقویت بنیه اقتصادی کشاورزان، مقامات مسئول باید تدابیر استثنائی و اضطراری و تصمیمات قاطع بمنفع دهقانان تهنی دست، منجمله در زمینه وام و سیاست

ضد انقلاب فعالیت تخریبی خود را در روستاها ادامه می‌دهد



کومه‌های سوخته خرمن ابراهیم میرخانم جان در روستای کچک سفلی (سقر) همدانریست به مقامات مسئول: ریشه بزرگمالکی، ام‌القصاد روستاها را پیشکش کنید!

روزنامه‌ها نوشتند که بنابه اظهار نظر کارشناسان آتش نشانی، آتش سوزی عمدی بوده است. باز هم دستی جنایتکار مخالف بالینکه ایران معمول داشته باشد و دهقانان زندگی آرامی، یعنی هدف ضدانقلاب. در روز ۱۳ شهریور ۵۹ جرایم اطلاع دادند که در روستای چهارده دامغان نیز خرمن محمد کاظم که آتش کشیده شد. یک نفر هم دستگیر شده است. اهالی ده و کومه‌ها امداد امام قرار گذاشته‌اند به شخصی که خرمن سوخته شده، کمک مالی کنند، ولی کشور از داشتن این محصول نیز محروم ماند.

این فهرست اسفناک را میتوان بازم ادامه داد، ولی مقصود ذکر وقایع نیست، بلکه این است که بروز این حوادث نشان میدهد ضدانقلاب در روستاها فعال است. در شرایطی که امیرالیهام آمریکا و نیروهای مرتجع منطقه، ارتجاع داخلی و عناصر سرسپرده امیرالیهام آمریکا در طرف راست خود انقلاب مارا محاصره کرده‌اند انواع توطئه‌ها را سازمان می‌دهند، ضدانقلاب می‌دانند که وارد آوردن ضربات اقتصادی به شیوه‌های مختلف، برای ایجاد قحطی مصنوعی و کمبود کالاها ضروری، ناراضی - ترشی در بین دهقانان و اقتدار شهری، جو بی‌قراری، انقلاب را مساعد می‌کند. ضدانقلاب دقیقاً میدانند که حامیان راستین انقلاب زحمتکشان شهر و روستا هستند، که امید به پیروزی قطعی و نهایی انقلاب دوخته‌اند. بنابراین ضدانقلاب تخم بدمینی به انقلاب را بین آنها می‌پاشد و همه تبلیغات و فعالیت‌های عمومی خود را بر ضد منافع این زحمتکشان، مستاده است.

فعالیت‌های گوناگون خرابکارانه ضدانقلاب در روستاها و منجمله آتش زدن خرمن‌ها بار دیگر ضرورت مقابله جدی با ضدانقلاب را بارز می‌نماید. عوامل تمامی ناامنی‌ها، ناراضی‌ترشی‌ها و فعالیت‌های مخرب ضدانقلابی در روستاها، در وجود بزرگ مالکان و عمال آنها نهفته است، که مستقیماً از نابودی انقلاب نفع می‌برند و در این راه از ارتکاب هیچ جنایتی روگردان نیستند.

برای مبارزه با پیگیر علیه فعالیت‌های ضد انقلابی باید ریشه فساد را خشکاند. باید سیستم بزرگ مالکی را در همه روستاها و در تمام نقاط کشور ویران ساخت. اجرای قانون اصلاحات ارضی، با توجه به آئین نامه اجرایی آن بمنفع دهقانان تهنی - دست، میتواند این ام‌القصاد را از روی زمین بردارد. وظیفه حیاتی و مبرم هیئت‌های هفت نفری است که تحقیقات و بررسی‌های خود را هر چه زودتر به اتمام برسانند. باید جدی و قاطع و سریع اجرای قانون را آغاز کرد. در مبارزه علیه ضدانقلاب، بخشی در حفاظت از مواضع انقلاب و زحمتکشان عمل نکند. دشمن متعل آتش در دست، خرمن میسوزاند، تفنگ و چاق در دست، به خانو خانواده دهقان حمله می‌برد، باسو استفاده از شاهپهراکشی و پاکت مثنی روحانی نمای وابسته به بزرگ مالکان، که نشک جامعه روحانیت مبارز هستند، و با کارگشایی‌های عوامل اداری خود در دستگاه، که هنوز پاکسازی نشده‌اند، مانع رسیدن حق به حق‌دار و زمین به دهقان میشود. در برابر این دشمن باید هر چه زودتر وقایع - تر عمل کرد. دفاع از خرمن و محصول کار و تلاش یکساله دهقانان، بخشی از وظایف مبرم و حیاتی مقامات مسئول، نهادهای انقلابی و خود دهقانان است.

آوارگان احمدآباد سفلی را به سرزمین خود برگردانید

که مشاه روستائی دارند، حل مسئله زمین و تهیه وسایل مورد نیاز آنها برای تولید است. زیرا کمبود زمین و سایر وسایل، عامل اصلی مهاجرت آنها در رژیم شاه مخلوع بوده است. تدوین یک سیاست کشاورزی صحیح و مردمی، به نفع زحمتکشان، به تولیدات این بخش و نیز تولید ملی کشور می‌افزاید و به بسیاری از مشکلات و موانع موجود در اقتصاد روستائی و در زندگی روستائیان پاسخ خواهد داد.

بورش شبانه کاشانه دهقانان، حمله مسلحانه به دهقانان تهدیت به "جرم" پی روی از فرمان امام خمینی مبنی بر کشت زمین‌ها، تفرقه افکنی بین دهقانان، تبلیغات سو علیه جمهوری اسلامی، تبلیغات سو علیه قانون اصلاحات ارضی، ایجاد محیطی مصنوعی و احتکار کالاها در روستاها و آتش زدن خرمن‌ها، گوشه‌ای از فعالیت‌های ضدانقلاب علیه مواضع انقلاب و در جهت حفظ مواضع اقتصادی - سیاسی بزرگ مالکان است.

فعالیت ضدانقلاب در روستاها همزمان با پیروزی انقلاب و رشد مبارزات دهقانان برای کسب زمین، یعنی تحقق یکی از دستاوردهای انقلاب آغاز گردید و تا امروز به اشکال مختلف ادامه یافته و در این اواخر تشدید شده است.

یکی از شیوه‌هایی که ضدانقلاب با آن متوسل شده است، آتش زدن خرمنهاست، که در فصول برداشت در سال گذشته و امسال، از آن بعنوان حربه ای مخرب علیه انقلاب و دهقانان زحمتکش استفاده شده است.

نامه "مردم" بارها بارها و بویژه از شماره ۲۲۵، مورخ ۵۹/۲/۲۵، به بعد، مقامات مسئول، دهقانان و نهادهای انقلابی را متوجه این خطر کرده است. مادر طی هشدار خود از آنها خواستیم که مصرا نه از خرمن‌ها مراقبت بعمل آورند و مواضع موقوفیت ضدانقلاب در اهداف شوم خود نشوند. ولی با وجود مراقبت‌های گدهقانان، نهادهای انقلابی و مسئولین دولتی از بروز چنین حوادثی بی‌عمل آوردند. متأسفانه ضدانقلاب موفق شده که در پاره‌ای از نقاط کشور، دسترنج یکسال زحمت دهقانان تهدیت و زحمتکش را به آتش بکشد و دود کند.

مطابق آخرین اخبار رسیده، عناصر ضد انقلاب و وابسته امیرالیهام بار دیگر در نقاط مختلف کشور محصول یکسال رنج و امید دهقانان را آتش زدند. چند مثال: پنج شنبه ۹ مرداد ماه ۵۹، حدود ۶ تن از خرمن‌های یک روستائی بنام ابراهیم میرخانم جان در روستای کچک سفلی، در ۲۳ کیلومتری سقر به آتش کشیده شد.

محل آتش سوزی در شرق روستا و بغامله ۵۰۰ متری آن بوده است. کومه‌های گندم جدا از هم و بغامله نسبتاً زیادی از یکدیگر قرار داشتند. بعد از وقوع آتش سوزی، دهقانان خود را به محل حادثه رسانند، ولی به علت عدم دسترسی به وسایل اطفاء حریق، ۳ عدد از کومه‌ها میسوزد و مجموعاً ۶ تن گندم از بین می‌رود. این گندمها متعلق به دهقانی است که برای مخارج دروی آن حتی ۱۰۰۰ تومان قرض کرده بود. با توجه به حسن شهرت این دهقان و فاصله نسبتاً زیاد ۳ کومه سوخته شده از یکدیگر، به گفته اهالی اتفاقی بودن و با انگیزه‌های شخصی برای بروز این حادثه مردود است و حتی دست جنایتکاری عمدا دستور ضدانقلاب را اجرا کرده است.

در ساعت ۱۱/۵ صبح روز سه شنبه ۱۱ شهریور ۵۹، یکی از مزارع گندم منطقه فیروز - آباد واقع در جاده ورامین، دچار آتش سوزی شد. در این آتش سوزی، که بعد از ساعت ۲ امداد داشت، حدود ۵۰ هزار متر مربع از مزارع طعمه حریق گردید و محصول دسترنج دهقانان سوخت. این آتش سوزی بی شک خسارات فراوانی به محصول کشاورزی این منطقه وارد ساخته است.

احمدآباد سفلی روستائی از توابع میان دربند کرمانشاه است. در این روستا بهست خانوار ساکن بودند، که به دلیل مشکلات فراوان و بخصوص عدم دسترسی به زمین، مجبور به ترک ده و آواره شهرها شدند. اینک در مروتکوبه ویرانه‌ای تبدیل شده است. کدخدای ده ۲۰۰ هکتار زمین دارد. این کدخدایان خداوند بزرگ مالک ده، اراضی خود را به بستانکاران غیر بومی، که از شهرستان‌های دیگر آمده‌اند، به منظور کشت هندوانه، طالبی و غیره واگذار کرده‌اند. تنها راه برگرداندن خیل عظیم بیکاران شهری

اعتباری، اتحاد کنند. ما، ضمن تشکر از پاسخ مسئولین روابط عمومی بانک کشاورزی، از مقامات مسئول می‌خواهیم که با دقت و توجه جدی و عمیق به وضع و توان اقتصادی دهقانان، برای بخشودگی بدهی‌های گذشته دهقانان تصمیمی اتخاذ کنند، تا صدمه‌ای به امر حیاتی تولید آنها در شرایط فعلی وارد نیاید. البته از این پس، پرداخت دین در برابر وام گرفته شده از دولت جمهوری اسلامی ایران، امر واجب است. ولی در بسیاری از موارد پرداخت وامهای زمان طاغوت عملاً غیرممکن است و نتیجهای جز توقف تولید کشاورزی بریدن دهقان از زمین و راندن قطعی او به شهر ندارد. با در نظر گرفتن این شرایط استثنائی است که از طرف دهقانان خواست الثای دینون مطرح می‌شود. چون با نگه داشتن این بار هرگز کم‌تولیدکنندگان خریدار را نت نخواهد شد و کشاورزی آنها با نت خواهد گرفت.

الفای بدهی‌های گذشته در ضمن خط‌بلائی است بر سیاست اعتباری رژیم طاغوت، که در خدمت بزرگ مالکان بود و دهقانان را ورشکسته و وابسته و درمانده میگرد. اگر این خط‌بلائی کشیده شود و بدهی‌های گذشته لغو گردد، آنوقت میتوان مشی درستی را که، منجمله استاد رضا صفهانی نیز پیشنهاد کرده است و همه دست اندرکاران دولسو نیز بدان باور دارند، عملی ساخت، یعنی اولاً وام را نه به شکل انفرادی، بلکه به طور جمعی به شورای ده، یا به تعاونی، یا به مالکیت متاع دهقانان نیازمند داد. ثانیاً وام را نه به صورت پولی و خرید خرد، بلکه به صورت جنسی و به شکل ماشین آلات، پاکو، باسوم و به شکل عملیاتی نظیر حفرتجا و نصب تلمبه و غیره داد، یعنی بصورتی که مستقیماً منحصراً از بدهی تولید و تقویت بنیه اقتصادی دهقانان منجر شود، نه آنکه در گرویدار احتیاجات کم‌رکن زندگی، صرف مخارج روزانه گردد.

آخرین جملات پاسخ بانک کشاورزی خوشبختانه نشان می‌دهد که مسئولان به این جنبه توجه دارند و این مایه خرسندی است. و بالاخره ثالثاً وام را نه به صورت حق السکوت و قرض مسکن چند روزه، بلکه به مثابه یک اهزم سازمان دهنده تولید و بهسازی و یک وسیله نیرومند تحریک اقتصادی و بهبود وضع اجتماعی باید تلقی کرد و بکاربرد، و همه اینها البته بر اساس برداشت کامل نوبن و انقلابی از ساله وام کشاورزی، در خدمت اقتصاد سالم و مستقل کشاورزی، در خدمت

قشرهای زحمتکش دهقانی. بدین ترتیب اصرار در گرفتن بدهی‌های گذشته، در شرایطی که میلیونها دهقان درمانده، عملاً قادر به پرداخت آن نیستند، نه فقط یک سخت گیری ظالمانه و فشار بیبوده است، بلکه و این مهم‌تر است، مانعی است بر سر راه این برداشت انقلابی و نوبن از سیاست اعتباری کشاورزی، با تمام توجهی که به مطالب نام ده بانک کشاورزی در زمینه فنی و اماری برای آینده باید مبذول شود، شایسته است که پس از انقلاب از ریشه برداشتی انقلابی داشت و البته از این پس استدلال صحیح مندرجه در نامه را در چارچوب این سیاست نو و اصولی که بود دهقانان باشد، جدا در نظر گرفت.

دهقانان کم زمین و بی زمین!

باتشکیل کمیته‌های خود و بانک به پاسداران متعهد وافر اددلسوز جهاد سازندگی، به مسئولان دولتی کمک کنید تا قانون اصلاحات ارضی سرعاً و سوسودشما اجرا شود

هنوز هم زورگویی مالکان بر دهقانان بی زمین و کم زمین ادامه دارد

روستای مرجان آباد در ۴۰ کیلومتری شمال مهاباد واقع است و جمعیت آن حدود ۲۰۰ نفر و دارای ۳۶ خانوار است. این روستا ۱۰۶۰ هکتار زمین مزروعی و مقداری زمین با بر دارد. از این مقدار زمین مزروعی ۱۰۰۰ هکتار آن در مالکیت ارباب و ۶۰ هکتار بقیه متعلق به ۲۳ خانوار روستا است، که ۳ خانوار صاحب ۲۰ هکتار و ۲۰ خانوار دیگر ۳۰ هکتار بقیه را در اختیار دارند.

۱۳ خانواری زمین این روستا در کوره پر خانم‌های اطراف و بعضی شهرهای دور و نزدیک به کارگری مشغولند و با در روستاهای مجاور به عنوان کارگر کشاورزی برای صاحبان زمین کار می‌کنند. در زمان طاغوت مالک این روستا توانست مزارع دهقانان بی زمین و کم زمین را، که برای گرفتن حقوق خود به پا خاسته بودند، سرکوب کند. اما اکنون بعد از انقلاب و تصویب قانون اصلاحات ارضی، دیگر نباید ارباب بتواند حقوق برحق دهقانان را باطل کند. این حکم انقلاب و خواست دهقانان ستمدیده است و باید هر چه زودتر با کار پیگیر هیئت ۷ نفره حق به حق دار برسد.

یکی از دهقانان کم زمین، که زورگویی‌ها و ستمهای ارباب را به حد وفور دیده است، میگوید: "در زمان طاغوت همیشه شکنجه و ظلم و زور دیدیم، ولی حالا که انقلاب شده انتظار داریم که بدون زور و اجحافه به کار کشت بپردازیم." آخر می‌شود بعد از انقلاب هم یک نفر هزار هکتار زمین داشته باشد و ۲۰ خانوار دهقان زحمتکش جمعاً ۳۰ هکتار؟ این دهقانان به حق خواهان طرد کامل سیستم فاسد بزرگ مالکی و فئودالی هستند، که با نگاه ضد انقلاب و کانون تشنج و توطئه است.

اخبار دهقانی

در اثر حمله ایادی مالکان به روستائیان یک کودک جان خود را از دست داد

در روستای تانک، از توابع کرمان فارس، اخیراً بین خوش نشینان این روستا با مالکان و ایادی آنها درگیری بوجود آمد. روستائیان ا تانک، به کمک سیاه پاسداران، زمینهای را که مالک غصب کرده بود، کاشتند. بعد از دو محصول، هنگامی که روستائیان گندم را به ده حمل می‌کردند، ایادی مالک به آنها حمله کردند. راننده تراکتور برای این که بتواند از جنگ آنها فرار کند و گندم را به روستا برساند، مجبور شد سرعت تراکتور را زیاد کند. در این جریان کودک خردسال یکی از روستائیان از تراکتور پرت شد و فوت کرد. ایادی مالک بکمک بعضی از افراد زاندارمری کوشش کردند تا پدر این کودک را علیه مویش نشینان و راننده تراکتور تحریک کنند، ولی روستائیان با حفظ هوشیاری انقلابی این توطئه را خنثی کردند. بر عهده مقامات مسئول است که عمالان اصلی این فاجعه، که مالک بزرگ و ایادیش هستند به کفر اعمال تنگنیشان برسانند، چیزی که باعث تأسف است و وجود برخی از عناصر ناپاب و ضدانقلاب در ارگانه‌های دولتی و نهادهای انقلابی است که مودبانه رخنه کرده‌اند.

بانک به پیام امام خمینی مبنی بر پاکسازی افراد ساواکی و وابسته به رژیم طاغوت، این عناصر را باید هر چه زودتر پاکسازی کرد و اجازه نداد که مثل این روستا، مالک بزرگ از حمایت بعضی افراد زاندارمری سو استفاده کند و دهقانان را نسبت به جمهوری اسلامی بدمین سازد.



یادداشتی بر فیلم «عروج»:

آنها که بر مرگ پوز خند می زنند!



عروج اخلاقی و روحی اوست. راهبر افتخار و شهادت ناصبه می شود. سرنوشت دوگانه قهرمان فیلم. از دستگیری تا شهادت و خیانت. از راهی دشوار و ناهمواری گذرد. مرگ از لحظه دستگیری ریباک و سوتنیگوف، بر زندگی آنها سایه می اندازد.

محصول: «مسقلم» شوروی - ۱۹۷۵
کارگردان: لاریسا شیتکو
فیلمبردار: ولادیمیر چوخوف
بازیگران: بوریس پلوتینکوف، ولادیمیر گستوخین

فیلم عروج، ساخته یانو لاریسا شیتکو، یکی از کارگردانان جوان اتحاد شوروی، بی هیچ تردیدی اثری شگفت انگیز و تکان دهنده است. فیلم با اینکه درباره جنگ است، اما از قهرمان بازی ها و برخوردهای سطحی و باسماهی "سینمای جنگی" در آن خبری نیست. برعکس، واقع گرایی و حقیقت گویی نساب و شاعرانه در سراسر فیلم جریان دارد. سازنده جوان فیلم، اثر بدیع و جسورانه خود را بر ساختار سنتی و متناقض و بغرنج بی نهاده است.

نخست، او بر آن است که با نامها و تصاویر شخصی و انسانی، تمامی خشونت غیر انسانی جنگ را به تماشاگر القا کند. دیگر اینکه از طریق بصری سرسبز تصاویر سینمایی، به درون مولاتی ذهنی، چون ضمیر و وجدان، راه باید. موفقیت در چنین آفرینشی به آسانی دست نمی دهد. با وجود این، سازنده "عروج" موفق شده است از طریق نقل یک داستان ساده و صمیمی، ضمیر باطن و روحیات شخصیت های خود را بکاود.

داستان فیلم یکی از وقایع عادی و هر روزی جنگ بزرگ میهنی است. ۱۹۴۲ است. یک واحد پارتیزانی ارتش سرخ، به همراه جمعی زن و کودک، در میان برف و بوران شدید، از زیر آتش نازی ها می گریزد و در جنگل پناه می گیرد. خشکی و گرسنگی همه را از پا در آورده است. فرمانده واحد دو نفر را به جستجوی غذا می فرستد. ریباک - پارتیزان چالاک و جسور و سوتنیگوف - یک افسر ارتش، که تازه به واحد پیوسته است.

سوتنیگوف مریض است و در راه از دوستش عقب می ماند، اما با وجود بیکر رنجورش، سرسخت در برف پیش می رود. این دو نفر تصادفاً با چند سرباز آلمانی برخورد می کنند، و پس از نبردی کوتاه، به یک کلبه روستایی پناه می برند. اندکی بعد به همراه کدبانوی کلبه دستگیر می شوند.

از این پس، مأموریت آنها، که در آغاز آسان و عادی می نمود، وارد مرحله ای مرگبار می شود. ترس و خون و شکنجه تهدیدکنان نزدیک میشود. دستگیر شدن در بازجویی و شکنجه متواضعانه از خود سرود نشان می دهند و شخصیت ناپیدا و حقیقی خود را عیان میکنند. پارتیزان، که اندامی تندرس و قوی دارد، بر وجدان خود پیروز می بندد و آزاره تنگنای سازش و مصالحه می کشد. راهانفرجام و گریزگاه باطلی، که خیانت خوانده می شود. ترس از مرگ، هستی او را قضا می کند، و او را به همکاری با آلمان ها وامی دارد. افسر، که به پیروزی آلمان و ولای خود ایمانی استوار دارد، با تن رنجور، از تمام آزمونهای دشوار سر بلند می آید. مرگ رنج بار و درد آلودش در میدان یک شهر کوچک بلوروسی، به درختان - ترین لحظه زندگی او تبدیل می گردد. مرگ او بسیار

عروج اخلاقی و روحی اوست. راهبر افتخار و شهادت ناصبه می شود. سرنوشت دوگانه قهرمان فیلم. از دستگیری تا شهادت و خیانت. از راهی دشوار و ناهمواری گذرد. مرگ از لحظه دستگیری ریباک و سوتنیگوف، بر زندگی آنها سایه می اندازد.

عروج اخلاقی و روحی اوست. راهبر افتخار و شهادت ناصبه می شود. سرنوشت دوگانه قهرمان فیلم. از دستگیری تا شهادت و خیانت. از راهی دشوار و ناهمواری گذرد. مرگ از لحظه دستگیری ریباک و سوتنیگوف، بر زندگی آنها سایه می اندازد.

عروج اخلاقی و روحی اوست. راهبر افتخار و شهادت ناصبه می شود. سرنوشت دوگانه قهرمان فیلم. از دستگیری تا شهادت و خیانت. از راهی دشوار و ناهمواری گذرد. مرگ از لحظه دستگیری ریباک و سوتنیگوف، بر زندگی آنها سایه می اندازد.

عروج اخلاقی و روحی اوست. راهبر افتخار و شهادت ناصبه می شود. سرنوشت دوگانه قهرمان فیلم. از دستگیری تا شهادت و خیانت. از راهی دشوار و ناهمواری گذرد. مرگ از لحظه دستگیری ریباک و سوتنیگوف، بر زندگی آنها سایه می اندازد.

عروج اخلاقی و روحی اوست. راهبر افتخار و شهادت ناصبه می شود. سرنوشت دوگانه قهرمان فیلم. از دستگیری تا شهادت و خیانت. از راهی دشوار و ناهمواری گذرد. مرگ از لحظه دستگیری ریباک و سوتنیگوف، بر زندگی آنها سایه می اندازد.

عروج اخلاقی و روحی اوست. راهبر افتخار و شهادت ناصبه می شود. سرنوشت دوگانه قهرمان فیلم. از دستگیری تا شهادت و خیانت. از راهی دشوار و ناهمواری گذرد. مرگ از لحظه دستگیری ریباک و سوتنیگوف، بر زندگی آنها سایه می اندازد.

عروج اخلاقی و روحی اوست. راهبر افتخار و شهادت ناصبه می شود. سرنوشت دوگانه قهرمان فیلم. از دستگیری تا شهادت و خیانت. از راهی دشوار و ناهمواری گذرد. مرگ از لحظه دستگیری ریباک و سوتنیگوف، بر زندگی آنها سایه می اندازد.

لئونید پرژنوف: کمونیستها و مردم شوروی همواره از لهستان حمایت خواهند کرد

این کشور همواره از لهستان حمایت خواهند کرد. الکس کاسیکین نخست وزیر اتحاد شوروی نیز بمناسبت انتخاب ژوزفینکوفسکی به سمت نخست وزیر لهستان پیام شادباشی برای وی فرستاد. یارلمان لهستان رسماً انتخاب پیونوفسکی را مورد تأیید قرار داده است. از سوی دیگر سفیر اتحاد شوروی در ورشو از ادوارد گیرک عیادت کرد. در این دیدار سفیر شوروی آرزوی دیرین این کشور را در پیروی هرچه سریعتر گیرک به سوی ابلخ کرد.

رهبران کشورهای سوسیالیستی و احزاب کمونیست جهان به مناسبت انتخاب کانیا به سمت دبیر اول کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان پیام شادباشی برای وی فرستادند. از جمله لئونید پرژنوف، رهبر اتحاد شوروی در پیام خود گفت: قدر اتحاد شوروی کانیا را یک مبارز پرچم در راه منافع راستین خلق لهستان می شناسند. پرژنوف اظهار امیدواری کرد که مردم لهستان به رهبری حزب متحد کارگری بتوانند هرچه زودتر پس مشکلات بوجود آمده پیروز شوند. پرژنوف گفت که کمونیست های شوروی و همه مردم

حمله شدید شرکت کنندگان کنفرانس منطقه ای سازمان خواربار جهانی به کشورهای غربی

هیئت های نمایندگی شانزدهمین کنفرانس منطقه ای سازمان خواربار و کشاورزی جهانی، که در سطح وزیران در هوانا، جریان دارد، شدیداً به روابط اقتصادی ناپایب و تبعیض آمیز بین المللی، که کشورهای غربی سعی در حفظ آن دارند، حمله کردند. ویلوق، عضو رهبری ملی آزادی بخش سان دینیس و وزیر توسعه کشاورزی نیکاراگوئه، به کشورهای در حال توسعه توصیه کرد که برای استقرار نظام اقتصادی جدید به تلاش بیکسر دست بزنند. وی گفت: توسعه اقتصادی و رفاه کشورهای امریکای لاتین بدون حل مسائل بنوع توسعه ای محروم غیر ممکن است.

ویلوق خاطر نشان ساخت که حکومت نیکاراگوئه به تلاش گسترده برای حل مشکلات اقتصادی، که نتیجه فعالیت های خاتنه ریزی سرنگون شده سوموزا است، دست زده است. وزیر کشاورزی نیکاراگوئه تأکید کرد: «تاکتیکون بیش از دوازده ساعت و پانصد قانونی کشاورزی ایجاد شده است و این قانون ها که از حمایت گسترده دولت برخوردارند، به عامل مهم در توسعه و تحول در این رشته تبدیل شده اند.» ویلوق همچنین گفت: «ملی شدن تروپیک ملی - معادن، بانکها و شرکت های بیمه - توسط دولت شانزدهم محکم برای بازسازی اقتصاد کشور بوجود آورده است.»

نماینده کرانادا در سخنان خود به جدی بودن کمبود مواد غذایی در جهان و از جمله در شماری از کشورهای امریکای لاتین و حوزه دریای کارائیب اشاره کرد و گفت: «انقلاب در کرانادا حل تدریجی این مشکل را آغاز کرده است و موفقیت های در این زمینه پست آمده است.» نماینده ورتزولا فعالیت کشورهای توسعه یافته غربی را، که از پوشش کمک بشردوستانه استفاده می کنند و تلاش دارند که در امور داخلی کشورهای در حال توسعه مداخله کنند، قویاً محکوم کرد. دولت کوبا اعلام کرده است: «بیون عدالت اجتماعی پایان دادن به فقر و گرسنگی غیر ممکن است.»

گرسنی کامپوچیا در سازمان ملل متحد باید پدولیت قانونی آن کشور سپرده شود

نمایندگان کشورهای سوسیالیستی در سازمان ملل تأکید کردند که گرسنی کامپوچیا در این سازمان باید به دولت قانونی آن، یعنی شورای انقلابی خلق پرهیبری هنگسارین سپرده شود. آمریکا و چین تلاش دارند گرسنی کامپوچیا در سازمان ملل متحد کماکان در دست دارو دسترس نگون شده پهل پلوتس بنگماری باقی بماند.

انکار عمومی جهان نگران سر نوشت رهبر حزب کمونیست پاراگوئه است

افکار عمومی جهان و شخصیت های برجسته از سر نوشت آنونیو مایلدونا، رهبر حزب کمونیست پاراگوئه، که از ۷۷ اوت در بوئنوس آیرس ربوده شده، ابراز نگرانی میکنند. لوئیس گوروالان، دبیر کل حزب کمونیست شیلی، خواستار اقدام فوری برای یافتن و آزادی مایلدونا شد. دبیر کل حزب کمونیست آرژانتین نیز از همه نیروهای ترقیخواه جهان خواست که به روشن شدن سر نوشت مایلدونا کمک کنند. آنونیو مایلدونا، همراه با یک رهبر دیگر حزب کمونیست پاراگوئه، در ۲۷ اوت، بطور مرموزی در بوئنوس آیرس ربوده شد. فدراسیون سندیکائی جهانی در تلگرام هائی از رئیس جمهور آرژانتین و کورتنوالدهایم خواست که به روشن شدن سر نوشت رهبران حزب کمونیست پاراگوئه کمک کنند.

نمایشگاه زندگی ابوعلی سینا در بخارا

در یکی از مراکز فرهنگی بخارا، تعدادی تابلوی نقاشی مربوط به زندگی ابوعلی سینا به نمایش گذاشته شده است. این تابلوها درباره دوران مختلف زندگی ابوعلی سینا است. اسامی به دعوت یونسکو، هزاره ابوعلی سینا در کشورهای مختلف، از جمله در اتحاد شوروی برگزار میشود.

یادمان های افغانی دست به غارت مردم پاکستان زده اند

بر اساس گزارش های رسیده، اوضاع شمال غربی پاکستان، منطقه ای که اصطلاحاً اردوگاه های آوارگان افغانی و پناهنده دیگر، اردوگاه های آموزشی "باند های" افغانی در آنجا قرار دارد، به شدت متشنج است.

باند های افغانی در این منطقه باید تجدید گزیه زده و خورد برداخته و بجان مردم پاکستان افتاده اند. در بلوچستان پاکستان، باند های افغانی دست به غارت اموال مردم زده و با ساکنان این ایالت به زور و خورده برداخته اند.

رژیم دست نشانده ضیا الحق، که حامی اصلی باند های افغانی است، ناچار شده است که برای "حفظ نظم" و نیروهای مسلح گسیل دارد. اهالی مناطق شمال غربی پاکستان خواستار آنند که رژیم ضیا الحق هر چه زودتر از حمایت باند های افغانی دست بردارد.

در جهان سوسیالیسم

رشد همه جانبه اقتصاد شوروی همیاری اقتصادی

آهنگ رشد اقتصادی کشورهای "شورای همیاری اقتصادی" در سالهای ۵۸ - ۱۳۵۵ ۴۰ درصد بود. در ضمن، رقم مشابه برای کشورهای صنعتی سرمایه - داری ۲۴۱، برای ایالات متحده ۲۳ و برای کشورهای "جامعه اقتصادی اروپا" ۲۰۷ بوده است. جدول زیر رشد برخی از شاخص های مهم اقتصادی را در سالهای ۵۸ - ۱۳۳۹ در کشورهای همیاری اقتصادی (به درصد) نشان می دهد: شاخص درصد رشد (در سالهای ۵۸ - ۱۳۳۹)

تولید صنعتی	۱۲۲
بازآوری کار در صنعت	۱۱۷ / ۹
تولید انرژی الکتریکی و حرارتی	۱۲۲ / ۱
تولید نفت	۱۱۸ / ۲
تولید گاز	۱۴۴
تولید صنایع مهندسی و فلزکاری	۱۲۸ / ۷
تولید صنایع شیمیائی و لاستیک سازی	۱۲۷ / ۲
تولید صنایع پلیاستیکی و مصنوعی	۱۲۴
درآمد واقعی سرانه	۱۱۵
بازرگانی متقابل	۱۵۶

در جهان سرمایه داری

کشورهای سرمایه داری جهان در آستانه رکود جدید

اقتصاد سرمایه داری جهانی، بدون آنکه از پیامدهای بحران سالهای ۵۴ - ۱۳۵۳ رهایی کامل یافته باشد، اینک به رکود ممتد دیگری نزدیک می شود. در قدرتمندترین کشور سرمایه داری جهان، یعنی ایالات متحده آمریکا، فرآورده ناویژه ملی در چهاره نخست سال میلادی کنونی به مقدار ۶۰۰۰۰ میلیون دلار کاهش یافت. در نیمه اول این سال درآمد واقعی آمریکائی ها هفت درصد کمتر شد. در دیگر کشورهای سرمایه داری نیز وضع چندان بهتر نیست. در بریتانیا، نزدیک به دو میلیون نفر بیکارند، که از دوران "رکود بزرگ" تاکنون بی سابقه است. حتی در جمهوری فدرال آلمان و ژاپن نیز، که دارای اقتصاد نسبتاً متعادل تری هستند، بوی رکود شنیده می شود.

حمله به محل پخش نامه مردم، در کرمان غیر قانونی است

وعلتی، داشتن، فروش و پخش آنها نمی تواند جرمی محسوب شود. رفیق حجت اسدی در مورد نوارهای پخش و پاسخ گفت: «این نوارها در جلسات پرسش و پاسخ رفیق کپاتوری، که هر پنج شنبه با شرکت علاقمندان به صورت علنی برگزار می شد، تهیه شده است و هیچ چیز علیه نظام جمهوری اسلامی در بر ندارد و نتیجتاً داشتن آنها جرم نیست. متأسفانه این توضیحات مورد قبول بازپرس - دادگاه انقلاب کرمان قرار نگرفت و او برای هر یک از رفقا، قرار به مبلغ پانصد هزار تومان صادر کرد. اینگونه اعمال و رفتار غیرمشولانه زمانی صورت می گیرد که دادستانی کل کشور، بیش از یک ماه پیش در اطلاعیه خود آن را "خلاف مقررات جاری و منحل امنیت قضائی و تضعیف ارگان مملکتی" و همچنین "مخالف نص صریح قانون اساسی و معارض عالیله کشور و دستور قرآن کریم" اعلام کرد.

به دنبال حمله تعدادی از افراد سپاه پاسداران کرمان به محل پخش نامه "مردم" و دستگیری دوتن از هواداران حزب توده، ایران به نام های حجت اسدی و مجید اسلامی، بازپرس دادگاه انقلاب کرمان برای هر یک از آنها به خاطر داشتن نشریات وابسته به حزب توده، ایران، قرار به مبلغ پانصد هزار تومان صادر کرد. در جریان بازجویی، رفقای دستگیر شده از خط مشی اصولی و انقلابی حزب توده، ایران دفاع کردند و نقش مثبت آنرا در دفاع و پشتیبانی از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و خط امام خمینی توضیح دادند. از جمله رفیق حجت اسدی در برابر بازجویی خود، پس از توضیح در مورد دفاع حزب توده، ایران از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران متذکر شد که، نشریات کتوسط تعدادی از پاسداران ضبط شده است. همگی نشریات آزاد و قانونی هستند و از طرف دادستانی کل و وزارت ارشاد ملی اجازه رسمی انتشار دارند و چون حزب توده، ایران، حزبی است سیاسی قانونی

خبرنگار نامه «مردم» که در حسن‌سویونجین سالگرد انتشار روزنامه صدای خلق، ارگسان حزب کمونیست اتریش، شرکت کرده بود، در فرصتی که بدست آمد، مصاحبه کوتاهی با رفیق فرانتس موری، صدر حزب کمونیست اتریش انجام داد، که در زیر می‌خوانید.

کسب قدرت سیاسی

«روزنامه استراتژیک حزب کمونیست بدست گرفتن قدرت سیاسی توسط طبقه کارگر است. برنامه حزب کمونیست اتریش با این سطر آغاز میشود: ما بر این عقیده هستیم که بدون قدرت طبقه کارگر، بوجود آوردن یک سیستم سوسیالیستی غیرممکن است.

اما برنامه روز سیاسی حزب کمونیست اتریش، در این لحظه معین تاریخی جامعه اتریش، بر سه خواست عمده استوار است: اول- مبارزه برای بهتر کردن زندگی زحمتکشان.

مهمترین چیز در این زمینه، حفظ محل کار برای کارگران و جلوگیری از یکنارشدن آنهاست. میدانید که یکناری از عوارضی سیستم سرمایه‌داری است و بویژه در دوران‌های بحرانی سرمایه - داری، یکناری بصورت یک مشکل بزرگ برای کارگران درمی‌آید.

حزب کمونیست اتریش یک برنامه ۱۰ ماده‌ای برای مقابله با این وضع دارد. یکی از مواد مستحکم‌تر شدن هر چه بیشتر روابط اقتصادی اتریش با کشورهای سوسیالیستی است. در حال حاضر اتریش کمترین تعداد یگان‌های در زمین کشورهای سرمایه‌داری دارد و علت آن این امر است که کارخانه‌های زیادی در اتریش به تولید کالاهای سفارشی کشور-های سوسیالیستی مشغولند. ماده

رفیق فرانتس موری، صدر حزب کمونیست اتریش در مصاحبه با نامه مردم:
حزب کمونیست اتریش عمیقا از انقلاب ایران دفاع می‌کند

سفر کرایسکی به ایران، در چارچوب وحدت نظر با آمریکا، برای ترمز کردن انقلاب ایران بود.

مهم دیگر درخواست برای ادامه سیاست دولتی کردن کارخانه‌های بزرگ اتریش است. در حال حاضر چند کارخانه بزرگ اتریش، از جمله صنایع فولاد، دولتی هستند. تلاش حزب کمونیست اتریش اینست که دولت را وادار کند هر چه بیشتر کارخانه‌ها را دولتی کند.

ماده بعدی، تلاش برای افزایش درآمد حقیقی کارگران و کارمندان جزء، تلاش برای بهتر شدن تأمین اجتماعی و کاهش مالیات است. خواست دوم دفاع از حقوق دموکراتیک زحمتکشان است. در این زمینه، مبارزه علیه سازمانهای فاشیستی و تلاش برای غیرقانونی و متوقف کردن این سازمان‌ها توسط حزب کمونیست اتریش دنبال میشود. مبارزه برای ایجاد شکل دموکراتیک در تعلیم و تربیت، در چارچوب همین خواست

است. در حال حاضر تنها ۱۴ درصد کسایتیک در مدارس اتریش تحصیل می‌کنند، فرزندانی زحمتکشان هستند این رقم در دانشگاهها به یک درصد میرسد. اکثریت مطلق کانی را که در اتریش، بویژه در دانشگاهها، تحصیل می‌کنند، فرزندان سرمایه‌داران تشکیل می‌دهند. حزب کمونیست اتریش برای تغییر این وضع می‌کوشد. افزایش حقوق دموکراتیک زنان تاحد مردان، افزایش دموکراسی در محل کار برای شرکت‌دندان کارگران و کارمندان جزء در اداره امور نیز در چارچوب دفاع از حقوق دموکراتیک زحمتکشان قرار دارد.

حفظ صلح جهانی

«خواست سوم، مبارزه برای حفظ صلح جهانی است. اتریش ظاهرا یک کشور بی-طرف است. ما قطعاً هیچ‌یک از طرف

دولت می‌خواهیم که علیه برنامه‌های ناتو مبارزه کند. نیروهای امپریالیستی می‌کوشند تا با تبلیغات خود وانمود کنند که از طرف شوروی خطر اروپا را تهدید میکند. اما نیروهای مترقی اتریش می‌دانند که نه تنها از طرف اتحاد شوروی خطری نیست، بلکه این کشور بطور مداوم برای صلح و تسنح‌زدانی فعالیت میکند و در این زمینه پیشنهادها گوناگونی داده است.

حزب کمونیست اتریش می‌کوشد که برای رسیدن به اهداف بالا جنبه‌ای از نیروهای مترقی اتریش بوجود بیاورد. تاکنون هم در موارد معینی موفق بوده است. از جمله می‌توان از تظاهرات متحد حزب کمونیست با سوسیالیست‌ها (افراد نه احزاب) علیه فاشیست‌ها یاد کرد. چندی پیش نیز، وقتی هیچ‌دولتی حاضر نشد به رژیم جنایتکار شیلی تانک بفروشد، دولت اتریش، که ظاهراً بی‌طرف است، میخواست به شیلی تانک بفروشد و با این کشور قراردادی بست. بدنبال عقد این قرارداد، برهبری حزب کمونیست تظاهرات وسیعی با شرکت نیروهای مترقی برگزار شد، و دولت زیر فشار این نیروها مجبور شد آن قرارداد را لغو کند. این یک پیروزی بزرگ برای حزب کمونیست بود.

نقش سوسیال‌دموکراسی

خبرنگار نامه «مردم» پرسید: «نقش سوسیال دموکراسی و رهبری فملی آن، یعنی برنوتو - کرایسکی را در اجرای نقشه‌های امپریالیسم چگونه ارزیابی میکنید؟ رفیق موری جواب داد: «سوسیال‌دموکرات‌ها تا زمانیکه شاه سابق در ایران حاکم بود، با همه جنایات او و پادشاه نه تنها مخالف نبودند، بلکه با او همکاری

داشتند. در حال حاضر سوسیال-دموکراسی نمی‌خواهد انقلاب ضد امپریالیستی ایران ادامه یابد. این همان خواست مشترک سوسیال دموکراسی و امپریالیسم آمریکاست و در این زمینه با هم فعالیت می‌کنند. تا انقلاب ایران را ترمز کنند. آنها میخواهند در ایران یک سیستم بورژوازی لیبرال روی کار بیاورند، که با امپریالیسم مخالفت و مبارزه نداشته باشد. در چارچوب این سیاست است که کرایسکی به ایران آمد. اما باید توجه داشت که سوسیال‌دموکرات‌ها هم می‌کوشند در کشورهای در حال رشد جای پائی برای خود باز کنند و به قدرت خویش بیفزایند. کرایسکی، که یکی از دوستان خوب آمریکاست، از فعالین درجه اول همین سیاست است.

دفاع از انقلاب ایران

سؤال آخر خبرنگار نامه «مردم» درباره نظر حزب کمونیست اتریش درباره انقلاب ایران بود. رفیق فرانتس موری جواب داد:

«انقلاب ایران یک انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی است و رژیم ایران برهبری آیت‌الله خمینی در جهت تغییرات کیفی عمیق در جامعه ایران فعالیت می‌کند. ما عمیقاً به این مواضع احترام می‌گذاریم. حزب کمونیست اتریش از انقلاب ایران عمیقاً دفاع میکند و میکوشد حقایق جامعه ایران را به مردم اتریش معرفی کند. ما برای انقلاب ضد امپریالیستی ایران ارزش زیادی قائل هستیم و آرزوی حمایت و تقویت می‌کنیم. اینرا هم بگوئیم که ما مخالف هرگونه فشار به حزب توده ایران، که سالیان دراز در صف اول مبارزه با شاه و امپریالیسم قرار داشته و دارد، هستیم.»

ضد انقلاب در تب و تاب است که در کنار همه توطئه‌گریهای خود علیه انقلاب، با شیاعسازی، ناراضی-تراشی و سوء استفاده از برخی واقیعتها، روشنفکران و صاحبان تخصص را از انقلاب جدا سازد و آنانرا ترغیب به ترک کشور کند.

جای لطمه‌ای تردید نیست که اکثر روشنفکر و متخصصی دشمن انقلاب است، همان بهتر که کشور انقلابی ما را ترک و بدامان بیگانه‌گان امپریالیست پناه جویند زیرا در اینجا مسئله ایمان و تخصص مطرح است، که اولی بر دومی بدون هیچ تردید مرجع است. اما چنانکه بدیهی است، روشنفکران و تحصیل کردگان قشر همگونی نیستند. بخشی از آنان منشاء در طبقات مرفه و ممتاز، یعنی سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ دارند، که با پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی جای خود را در کشورهای آمریکا و اروپای غربی یافتند و به صفوف ضد انقلاب پیوستند. اما بخش دیگری از آنان برخاسته از میان اقشار متوسط جامعه‌اند، که توان هیئتی با انقلاب را تا مسافتی دور دارا هستند و اگر تجدید تربیت شوند و آموزش انقلابی ببینند، در اکثریت خود به صفوف خلق خواهند پیوست و تا پیروزی نهایی، انقلاب را همگامی خواهند کرد.

اینان سرمایه‌گشورند. سرمایه‌ای که با خون دل کارگر و اشک دیده دهقان به کف آمده است. تربیت هر پزشک، هر مهندس و هر فزیکدان میلیون‌ها تومان هزینه دارد، که از جیب کارگر و دهقان و پیشه‌ور پرداخت شده است. انقلاب برای پیشبرد اهداف خود به حفظ این سرمایه‌ها نیازمند است و نمی‌تواند به آسانی خود را در استفاده از این مخزهای بریار، بی‌نیاز نشان دهد.

این گروه از روشنفکران و متخصصین در برخورد سولیوان، سفیر سابق آمریکا در تهران، طی مقاله‌ای در نشریه سیاست خارجی، بطور صریح به مداخلات آمریکا در امور داخلی ایران اعتراف کرد و از نقش برزیل‌سکی برده‌برداشت. او همچنین سخنرانی «مرفوق» بازرگان را در تلویزیون مینی‌برقاس با آمریکاییان تأیید کرده است.

مقاله ویلیام سولیوان، نقشی شریانه برزیل‌سکی، مشاور امنیتی کارتر، در روشکله دادن به سیاست آمریکا در مورد انقلاب ۱۳۵۷ ایران روشن می‌کند. این مقاله بطور روشن نشان می‌دهد که این سیاست‌شکل-های مختلف مداخله آمریکا در امور داخلی ایران و از جمله سازمان دادن یک کودتای نظامی را در بر-

هشدار به مسئولان! هشدار به روشنفکران!

برخی از کادریهای تحصیل کرده و متخصص را برکنار ساختند. این هشدار است به مسئولان که رمانتن این گروه بسوق انقلاب نیست.

اما هشدار دیگر ما به همین بخش از روشنفکران و صاحبان تخصص است که در دام ضد انقلاب نیفتند. انقلاب هنوز فرصت نیافته که در سراط مستقیم عدالت، بدون انحراف پیشروی کند. اذتیبه شوم پهلوی، توطئه امپریالیسم، فعالیت ضد انقلاب و گام حتی خطا و اشتباه و برتریگری دوستان انقلاب موجب شده است که اینجا و آنجا برخی زیاده‌رویها و برعدالتی‌ها بروز کند، و این مسیر طبیعی هر انقلابی است. مهم آنست که هدف اصلی انقلاب از نظر دور نیفتد و فریقات فدای اصل نشود. در انقلاب ما هدف عمده‌ترتبه‌کن ساختن نفوذ امپریالیسم در همه ابعاد آن، تأمین استقلال کشور و استقرار حاکمیت خلق است. در راه تحقق این هدف مقدس باید همه دشواریها را بیجان خرید، برعدالتی‌ها را نادیده گرفت، صبر و تحمل انقلابی داشت، صلحت کشور و انقلاب را مافوق مصالح شخصی و خانوادگی و گروهی قرار داد. مصلحت کشور و انقلاب حکم می‌کند، تخصصی که با پول زحمتکشان محروم بدست آمده، در خدمت همین مردم محروم بکار آید، ولو آنکه صاحب تخصص پاداشی درخور نیابد و مجبور به انصراف از برخی امتیازات شود.

اگر قرار است که کشوری مستقل و متکی بخود و مردمی آزاد و رها از بند نواستعمار داشته باشیم - که باید داشته باشیم - روشنفکران ما باید به روشنفکری بی‌تحمل و کم‌طاقت و زودرنج، بلکه بی‌میزبانی استوار و پایرجا باشند، که دست در دست کارگر و دهقان انقلاب را بسوی پیروزی نهایی راهبر شوند.

در کنار فعالیت آگاهانه ضد انقلاب، متأسفانه اقداماتی بنام دفاع از انقلاب، در عدم استفاده از مغزها صورت گرفته است، که در نتیجه آن روشنفکران در چهار دیواری کشور خود، احساس عدم تأمین مالی و جانی میکنند، خود را آدم زیادی، تحقیر شده، و هماره در خطر می‌پندارند، که اگر امکان یابند، آماده برای کوچ به خارج از کشور هستند.

از جمله اقداماتی که ناراضیاتی قشری از روشنفکران، یعنی دانشکاهیان را تشدید کرده، فراموش اقدام به بستن دانشکاهها و سرگردانی استاد و دانشیار و استادیار و کادر دانشکاهی و دانشجو است. چنانکه به تکرار گفته‌ایم، انقلاب فرهنگی هیچ ملازمه‌ای با تعطیل دانشکاهها ندارد. میتوان انقلاب فرهنگی را، که عمده‌ترین اهداف آن زدودن مظاهر فرهنگ استعماری و احیای فرهنگ ملی و مترقی است، در شرایط ادامه کار دانشکاهها هم انجام داد. تعطیل دانشکاهها نه تنها روشنفکران را ناراضی ساخته، بلکه بسیاری از خانواده‌ها را نگران آینده فرزندان خود کرده است.

مورد دیگر تصفیه‌هایی است که در برخی از وزارتخانه‌ها و موسسات، نه بر اساس معیارهای واقعی یا کسبازی، یعنی وفاداری به انقلاب - و برای این روشنفکران بینایی - توطئه نکردن بر ضد انقلاب - بلکه با معیارهای فرعی و یا ذهنی انجام شده و بدینسان

با انقلاب، موضعی بینایی دارند. ضد انقلاب نیست، اگرچه در پاسداری از دستاوردهای انقلاب از ایثار و فداکاری سرشار نباشند. اگر دستهایی ناراضی تراشی نکنند و اقداماتی، آگاهانه یا ناآگاهانه، در سمت راندن آنان از انقلاب صورت نگیرد، در کنار انقلاب، اگر نه شتابان، ولی با گامهای آهسته‌تر خواهند سپرد و عملی بر ضد انقلاب انجام نخواهند داد. در اینجا است که مسئله گزینش میان تخصص و ایمان بمسئله‌ای عملی پیدا نمی‌کند، زیرا این گروه در عین داشتن تخصص، فاقد ایمان نیست. بنابراین وظیفه همه انقلابیون صدیقی که تحقق اهداف انقلاب را اصل می‌دانند، آنست که در حفظ و ارشاد این گروه از روشنفکران کسوشا باشند، زیرا آ که نه مملکت از تخصص و اندیشگی و مهارت‌های آنان بی‌نیاز است و نه آنان در برابر انقلاب موضع گرفته‌اند، که نیازی به دفع آنها از یکسر انقلاب باشد.

متأسفانه اقدامات آگاهانه و یا ناآگاهانه‌ای در دوران کوتاه پس از پیروزی انجام شده، که هر روز بر شمار روشنفکران ناراضی افزوده است. ضد انقلاب کوشیده است و میکوشد تا با سوء استفاده از برخی زیاده‌رویها، روشنفکران را بدین سازد و با ترسیم تصویری تاریک و مبهم و نادلیذیر از آینده، آنانرا به ترک کشور و سفر به بهشت موعود (!) ترغیب کند.

سفیر سابق آمریکا در ایران به مداخلات آمریکا در ایران اعتراف می‌کند

تلفتی از برزیل‌سکی دریافت کرد، که در آن از وی خواسته شده بود که ترتیب یک کودتای نظامی را بدهد.

بنوشته سولیوان، در نوامبر ۱۹۷۸، دو ماه قبل از فرار شاه از ایران، برزیل‌سکی شروع به تعقیب سیاست خاص خود در ایران کرد و سفارت-خانه ویژه خود را در ایران بوجود آورد. بدین ترتیب بود که از روشنفکران نقش سفارتخانه برزیل‌سکی

می‌گرفته است. سفیر سابق آمریکا در ایران می‌نویسد: «برزیل‌سکی مایل بود از نیرو-های مسلح (ایران) علیه انقلاب استفاده شود و بفوریت شاه مخلوع با کمک ارتش انقلاب را سرکوب کند، و این در حالی بود که سولیوان و وزارت امور خارجه این امر را غیر واقع‌گرایانه می‌دانستند.»

بابتکار برزیل‌سکی بود که ژنرال هویزر، معاون فرماندهی نیروهای مسلح آمریکا در اروپا، از ایران دیدن کرد و با ژنرال‌های ارتش شاه سابق به گفتگو نشست.

سولیوان می‌نویسد: «بعد از اینکه شاه فرار کرد و آیت‌الله خمینی وارد شد، پیامی

دریافت می‌کرد و یا اصلاً بخاطر بن‌بست بیوروکراتیک، دستوری دریافت نمی‌کرد.

سولیوان اضافه کرده است: «آمریکا از اینکه در نقشه‌های آخر، غیر قابل اجتناب بودن انقلاب ایران را نپذیرفت، اشتباه کرده است.»

سولیوان در پاسخ به درخواست دولت آمریکا در مورد ادامه حمایت از سولیوان در پاسخ به درخواست دولت آمریکا، به دولت اطلاع داد بود: «بختیار یک مجسمه است که شاه برای عزیمت محترمانه خود علم کرده است.»

سولیوان نوشته است که روی کار آمدن دولت بازرگان با پی-بینی دوام قبل وی (منظور قبل از پیروزی انقلاب است) مطابقت داشت. سولیوان پیشنهاد کرده بود که

آمریکا مداخله کند، تا آنکه نیرو-های مسلح ایران خرد و متلاشی نشوند و در نتیجه تلاش‌های سفارت-خانه، تظاهرات گسترده‌ای میان عده‌ای از رهبران انقلابی و نیروهای مسلح بدست آید. قرار شد برخی از رهبران نظامی چنجالی کشور را ترک کنند. قرار شد برای تضمین توافق‌ها یک فرستاده از طرف آمریکا برای ملاقات با آیت‌الله خمینی به پاریس برود. سایر روسی و نی، کودورالیون، سفیر سابق آمریکا در افغانستان، را برای این کار تعیین کرد. اما در اوایل ژانویه و در آخرین روزهای اقامت شاه سابق، این ماموریت لغو شد. برزیل‌سکی این ماموریت را لغو کرد و حالا مسئول زویدادهای بعدی است.

در جلسه علنی دیروز مجلس:

بزرگترین وظیفه دولت، اجرای قانون اساسی، خونبهای دهها هزار شهید، است

آقای نخست‌وزیر: اگر بتوانیم آنرا (قانون اساسی) پیاده کنیم، باید قبول کنیم که بیشترین موفقیتها را بدست آورده‌ایم.

اولین جلسه بحث و بررسی برنامه دولت، با حضور عده‌ای از وزراء انجام گرفت.

جلسه علنی دیروز مجلس، ساعت ۸:۴۰، به ریاست حجت‌الاسلام رفسنجانی تشکیل شد. در ابتدای جلسه، حجت‌الاسلام رفسنجانی، ضمن اشاره به سالگرد شهادت مجاهد کبیر آیت‌الله طالقانی، از جمله گفت: «ملت ما و انقلاب ما خوشش را مهربان زحمت و رنجهایی که این مرد بزرگ متحمل شده است می‌داند. من مطمئنم که نمایندگان مجلس این اجازه را به من میدهند که مراتب قدردانی و سپاسگزاری را از زحمات این مرد بزرگ اعلام کنم و به حضور خانواده محترم وی تسلیت بگویم.»

وی آنگاه به سوءتصد نافرمانی به حجت‌الاسلام خلخالی اشاره کرد و ضمن ابراز خشنودی از شکست این توطئه، از حجت‌الاسلام خلخالی بعنوان فردی که «سخت» مورد «بعضی و کینه دشمنان» است، نام برد. آنگاه آقای رجایی، نخست وزیر مطالب خود را درباره کابینه بیان کرد. وی ضمن اشاره به مشکلات و مسئولیت بزرگی که بدوش دولت جدید گذاشته شده است از جمله گفت:

«در شرایط مسئولیت‌پذیری که تصور حجم مسئولیت برای خیلی از هموطنان ما مشکل است... جمله معروفی است که می‌گویند: کسانی که امروز مسئولیتی می‌پذیرند، یا عاشقند یا دیوانه...»

وی سپس از نمایندگان خواست که بحث روی شخصیت وزیران در جلسه غیرعلنی صورت گیرد. تقاضای وی به تصویب نمایندگان رسید و مجلس از ساعت ۹:۳۰ در یک جلسه خصوصی، به کار خود، یعنی بحث درباره شخصیت وزراء، ادامه داد.

ادامه جلسه علنی از ساعت ۱۲ آغاز شد. ابتدا رضایی بعنوان اولین مخالف برنامه دولت پشت تریبون قرار گرفت. وی ضمن اشاره به تبلیغات نیروهای امپریالیستی و ارتجاعی در سطح جهان علیه دولت آقای رجایی گفت:

«مخالفت ما مخالفت آنچنانی نیست و حتی مخالفت آن کسانی هم که خواب‌کنوری مانند کشورهای اروپایی می‌بینند، نیست.»

وی افزود: «نیاید فقط تکیه کنیم به این که توده‌ها پشت‌سر ما هستند. تاریخ نشان‌دهنده... که بعزت فقدان برنامه و مثنی مناسب و درخور اهداف ره بجایی نخواهیم برد... باید دید در خطمی چه تاملی برای کابینه مطرح است. زمان‌بندی لازم چقدر است؟ و سرانجام نیروها و کادرهایی که می‌خواهند از آن برای اجرای برنامه استفاده شود، کدامند؟»

رضایی سپس ضمن اشاره به ماده‌هایی از برنامه دولت، آنرا موافق قانون اساسی دانست ولی عدم زمان‌بندی مشخص و راه روشن برای اجرای آنان را در برنامه دولت، جزو نقاط ضعف شمرد. وی در پایان سخنانی انقلاب ما را در مرحله ضداستعماری دانست و گفت:

«انقلاب ما اینک در مرحله ضداستعماری است، که بمراتب بالاتر از مرحله ضد استعماری است.»

سپس محمدتقی بهار تبارت بعنوان موافق برنامه دولت سخن گفت. وی بحث اعظم سخنانش را به پاسخگویی به نماینده مخالف اختصاص داد و از جمله گفت:

«این برنامه طبق گفته خود شما منطبق بر قانون اساسی است. این در واقع مدح برنامه است. اگر غیر این بود، اشکال داشت. بزرگترین

وظیفه دولت اجرای قانون اساسی، خونبهای دهها هزار شهید است، هر روز که کوچکترین تخطی از قانون اساسی کرد... باید بازخواست شود.»

وی با اشاره به سخنان رضایی، نماینده مخالف، درباره کادرهای لازم برای اجرای برنامه گفت:

«همان نیروی انسانی که امام در خارج از کشور با کمک آنها انقلاب را به ثمر رساند، مگر کجا رفته؟ این نیروی انسانی، تا زمانی که این دولت در خط امام است و نه در حرف، بلکه عملاً ثابت کند... این نیروی کارآمد، فداکار و جانپناز انسانی پشت‌سر رجایی خواهد بود...»

ساعت ۱ بعد از ظهر جلسه مجلس تعطیل شد و ادامه بررسی برنامه دولت به ساعت ۲:۵ موکول شد.

در ادامه جلسه، محمد محمدی، بعنوان دومین مخالف، ضمن اشاره به برنامه کابینه آقای رجایی، دموکرها و احزاب سیاسی از جمله گفت:

«من تصور اینست که اسلام و قانون اساسی چنین اجازه‌ای را نمی‌دهند.»

وی سپس بطور مشروح در این مورد سخن گفت و خواهان تعریف دقیق و معیار لازم برای سنجش «خط‌هه جانیه امام»، که در برنامه دولت قید شده است، شد.

سپس باغانی، دومین موافق برنامه دولت، ضمن سخنانی، موارد مخالفت آقای محمدی را تشریح کرد و به آنها پاسخ گفت. وی ضمن تأیید برنامه دولت اظهار امیدواری کرد که این برنامه‌ها از طرف دولت با جدیت اجرا شود.

در پایان جلسه دیروز، طبق آئین‌نامه، آقای رجایی برای توضیح اشکالاتی که نمایندگان به برنامه گرفتند و نیز پاسخ پرسش‌نمایندگان پشت تریبون قرار گرفت. وی از جمله گفت:

«هیچ دولتی نمی‌آید بگوید که فلان برنامه را در عرض این مدت و با این کیفیت انجام میدهم، بلکه هدفهای خود را اعلام می‌کنند...»

نخست‌وزیر افزود: «قانون اساسی ما در دوران هیچ‌یک از انقلابی جامعه تدوین شده و به کلیات... اکتفا نکرده است. در اصل دوم و سوم قانون اساسی ۱۶ نکته ذکر شده است که دولت باید رعایت کند و این یکی از خصوصیات مثبت است که دولتی که سر کار می‌آید، باید این ۱۶ اصل را رعایت کند...»

«این یکی از مشکلات جمهوری اسلامی پیاده کردن همین قانون اساسی است و اگر بتوانیم آنرا پیاده کنیم، باید قبول کنیم که بیشترین موفقیتها را بدست آورده‌ایم...»

آقای رجایی در قسمت دیگر از سخنان خود، درباره سخنان بعضی از نمایندگان درباره اطاعت و یا اقتاد از امام خمینی گفت:

«اقتاد از امام، آنهم در ملاء عام، دقیقاً تصحیف امام است، چون می‌توان اقتادات خود را بطور خصوصی با امام مطرح کرد و من از هر عملی، به هر نحوی که در جهت تصحیف امام باشد، آگاهانه جلوگیری می‌کنم و با آن مبارزه می‌کنم...»

جلسه علنی دیروز مجلس ساعت ۵ بعد از ظهر پایان یافت و ادامه بررسی برنامه دولت به جلسه امروز (چهارشنبه ۱۹ شهریور ۵۹) ساعت ۸ صبح موکول شد.

وحدت بخاطر...

بقیه از صفحه ۱

دهها هزار شهید گلگون کفن، از وزای خاک سیاهی که بر مزارشان ریخته‌اند، نظاره‌گر و تکراند که، آنانکه بقوت امواج خونبهای پاک و بی‌دریغ آنان مدارج ترقی را پیچوده و برسند حکومت و دولت جمهوری اسلامی ایران بنه‌شسته‌اند، احترام خون آنانرا چگونه میدارند، و از درختی که با خون سرخ آنان آبیاری شده، یمی از جمهوری اسلامی ایران، چگونه پاسداری میکنند.

هیچ فرد مومن به انقلاب و دلسوز جمهوری اسلامی ایران نباید تسلیم خوشحیالی و یاغفلت و یا غرور گردد. باید همیشه و در همه حال متحد و منسجم و مجبزه و مسلح، در یک صف واحد، در پشت سر امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران آماده نبرد علیه دشمنان جمهوری اسلامی ایران ایستاد.

چهبسا انقلابها، که در نتیجه غفلت و تفرقه و گسرتقاری مسئولان در جنگال مسائل غیر-اسولی و فرعی بسراشیب ناگامی افتاده و در خون هزاران هزار انسان بیگناه غرق گشته است. چه‌بسا بیروزیهای بزرگ، که به

عاید هر فردی، در هر مقامی که قرار دارد، عملاً اثبات کند که او لایق چنین مقامی است و سزاوار افتخاری است که تاریخ و انقلاب نصیب وی کرده است. و این اثبات‌نمی‌شود، مگر از طریق کنارگذاشتن کلیه مسائل فرعی و غیراصولی و ففاق‌انگیزدوست زدن مبارزه و عمل متحدویکدل و یکزیان برای حل مسائل اصولی و عمده و تعیین کننده انقلاب. حزب توده ایران بادرک خطراتی که از پیدایش نقطه ضعف در ارکان وحدت‌انقلاب ناشی‌شود، از همه مسئولان و زمامداران کشور میخواهد که با در دست گرفتن شمارشدها، یعنی «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی»، کلیه مطالب فرعی و غیراصولی را کنار بگذارند و وحدت معجزه‌آفرین نیروهای انقلابی را چون مردمک دیده از هرگزندی مسون بدارند. آنانکه در توسمشکافیا و تشدید اختلافها میکوشند، عملاً آب به آسیاب ضدانقلاب و امپریالیسم خونخوار آمریکا میریزند. توده‌ایها - این مبارزان فداکار راه نجات خلق و مبین، تحکیم وحدت و یکپارچگی در صفوف انقلاب و نهادهای انقلاب و حکومت و دولت انقلاب را از مسیم قلب آرزو میکنند و در این راه، که یگانه‌راه بیروزی حق بر باطل

شوخی نیست...!

یک خبر... خنده‌دار

خبر زیر در روزنامه‌ها چاپ و انتشار یافته است: «خبرگزاری پارس به نقل از خبرگزاری آسوشیتدپرس از توکیو - یک خبرنگار ژاپنی دیروز از پاکستان گزارش داد، تشریفات مینی بر اعتراض به تجاوز شوروی به خاک افغانستان، میان سربازان اعزامی از اوکراین به این کشور توزیع شده‌است. روزنامه آساهی‌شیمبون، که روزنامه مستقل و پرتیراژ ژاپن است، خاطرنشان ساخت، یکی از تشریفات در کابل، هنگامی که عده‌ای سربازان روسی در حال انتقال از یشاور بودند، بلمت‌آمد و بعداً توسط یکی از سازمانهای چریکی افغانستان، که مرکزش در یشاور است، به پاکستان انتقال یافت. روزنامه می‌نویسد، طبق اظهارات چریکهای افغان جزوه مذکور... الا آخر»

مثل اینکه «خبر» کمی «کلیبیج» است و نیاز به تشریح دارد. ولی قبل از تشریح آن، به‌جاست از خبرگزاری پارس تشکر بعمل آید که، از تهران تا توکیو، بدنبال آسوشیتدپرس‌دیده، تا این‌خبر ذیقیمت آسوشیتدپرس، که آسوشیتدپرس از یک خبرنگار ژاپنی و خبرنگار ژاپنی از اظهارات چریکهای افغانی در پاکستان نقل کرده، گم نشود.

خبر (از شکل گزارش معلوم است) کاملاً موقف است و هیچ ساختگی نیست. وقتی خبرنگار ژاپن مینویسد که خبر را از چریک افغانی در پاکستان شنیده و وقتی این خبر توسط روزنامه آساهی‌شیمبون (که روزنامه مستقل و پرتیراژ ژاپنی است) چاپ شود و وقتی آسوشیتدپرس، که آنهم خبرگزاری مستقل و پرمشتری و بخصوص راست‌گو و حقیقت‌پرووری‌است، این خبر را نقل کرده باشد، و وقتی خبرنگاری خودمان هم آنرا به‌نقل از خبرگزاری آسوشیتدپرس پخش میکند، معلوم است که خبر ساختگی نیست، و اگر کمی «کلیبیج» است، فقط نیاز به مختصر توضیحی دارد.

تنها اشکالی که خبر (یا تشریح آن) دارد، اینستکه، اولاً معلوم نیست که، سربازان روسی در یشاور، که در پاکستان است، چه می‌کنند، و ثانیاً معلوم نیست که، چه ربطی بین بدست آمدن تشریح در کابل و انتقال سربازان روسی از یشاور وجود دارد؟

از طرف دیگر، در گزارشی که خبرنگار، به نقل از گفته چریک افغانی، در روزنامه آساهی‌شیمبون، به نقل از گفته خبرنگار، و آسوشیتدپرس به‌نقل از آساهی‌شیمبون، و خبر-گزاری پارس به‌نقل از آسوشیتدپرس، و روزنامه‌های صبح و عصر تهران به‌نقل از خبرگزاری پارس، آورده‌اند، یا صراحت نوشته شده است:

«یکی از این تشریفات در کابل هنگامیکه عده‌ای از سربازان روسی در حال انتقال از یشاور بودند، بلمت آمده» خلاصه چاره‌ای نیست. باید قبول کرد که تشریح ضد-برزئنه در کابل پایتخت افغانستان کشف شده، آنهم به هنگامیکه سربازان روسی از یشاور، که در پاکستان واقع است، به‌منظله نامعلومی منتقل میشده‌اند.

خبر بدینسان از دو بخش تشکیل شده: یکی خبر کشف تشریح برزبان روسی و اوکراینی بر ضدبرزئنه (که در آخر آن گفته شده: «بیانید امپریالیسم شوروی را نابود سازیم») و یکی هم خبر انتقال سربازان روسی از یشاور. راز ارتباط بین این دو خبر همانقدر قابل کشف نیست، که راز چگونگی حضور سربازان شوروی در یشاور (پاکستان) ولی نه، رازی بدین نیست. از دیر زمان گفته‌اند که، دروغگو کم‌حافظه‌است و یا دروغ از دو یا می‌رنگد.

چرا خبرگزاری پارس و چرا روزنامه‌های صبح و عصر تهران، به‌نقل از خبرگزاری آسوشیتدپرس این دروغ واضح را چاپ کرده‌اند، و حتی توجه نکرده‌اند که یشاور در پاکستان است و سربازان روسی در یشاور وجود ندارند، تا از آنجا بتوانند منتقل شوند؟

برای اینکه در تبلیغات مربوط به حوادث افغانستان، کور کورانه یا در جای پای خبرگزاریهای دروغ‌ساز و دروغ-پرداز امپریالیستی گذارده‌اند. والا با چشم باز و کترین‌دقت، این دروغ آشکار و مصحک تکرار نمیشد.

است، از هیچ‌کوششی دریغ نخواهند ورزید. ما که ایمن انقلاب و این جمهوری اسلامی ایران را بزرگترین دستاورد تاریخ چندین هزار ساله‌مبین خود میدانیم، با تمام وجود و امکانات خود و تا آخرین نفس از همین انقلاب و همین جمهوری دفاع کرده‌ایم و خواهیم کرد. و یقین داریم کلیه کسانی که درمبین و رنج خلق بلاکنیدند ایران را درک میکنند، از همین راه خواهند رفت.

یس باتکیه بر وجدان انقلابی خود و امید میلیونها مردم چشم‌براه ایران، و با احترام بیخون پاک هزاران شهید قهرمان، دست به دست هم بدهیم، آستین‌ها را بالا زنیم، کوه اشکالات کمرشکن راه، که از رژیم شاه ملعون بیارت مانده، از دوش مردم برداریم، جمهوری جوان خود را استحکام بخشیم و بدینا نشان دهیم که لیاقت‌روا نتخون و بی‌پاشیدانمان را داریم.

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر ریزادی

خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸

(دفتر نامه مردم)
هنوز در اختیار
نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM

No. 329
18 September 1980

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts.
Sweden 1.50 Skr.

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود